



کانون سگرسازان بی سگر

نشریه فرهنگی - خبری

سگرسازان بی سگر

شماره ۱۰۷ - مهر و آبان ماه ۱۴۰۱

تشییع پیکر جهادگر شهید

مرتضی کردی







صاحب امتیاز:	کانون سنگرزبان بی سنگر مرکز
مدیر مسئول:	محمد صدوری
سر دبیر:	محمد دوعلی
مدیر اجرایی:	مجید صافی
همکاران این شماره:	آقایان عبدالله فاتحی و علی مشایخی، طراحی و گرافیک: نگارستان رایانه باتشکر از همکاری: کانون های سنگرزبان بی سنگر سراسر کشور
نشانی:	تهران، خیابان ستارخان، خیابان شادمهر، پلاک ۲۵۸
تلفن:	۶۶۵۰۶۹۰۸-۶۶۵۰۱۴۹۵
فکس:	۶۶۵۰۳۹۲۳
پست الکترونیک کانون سنگرزبان بی سنگر:	ksbm1383@gmail.com
* استفاده از مطالب نشریه با ذکر منبع مجاز است.	
* نشریه مجاز به تلخیص و انتخاب مطالب ارسالی است.	

در این شماره می خوانید	
راهسازی در دفاع مقدس	۴
رسم جهاد (۱)	۱۳
جهاد سازندگی؛ تاریخچه تشکیل و خلاصه عملکرد	۱۶
جهادگران و روزی که حصر شکست	۲۰
اخبار کانون مرکز	۲۸
اخبار کانون استان ها	۴۵



راهسازی در دفاع مقدس

بخش دوم

تاریخ شفاهی

پیش درآمد:

به همت موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، جلساتی به منظور بررسی تاریخ شفاهی دفاع مقدس برگزار می‌گردد که در آن با توجه به موضوع بحث، از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد دعوت به عمل می‌آید تا در میزگردی به بیان خاطرات و نظرات خود بپردازند. متنی که در ذیل آورده شده یکی از این جلسات است که با حضور مهندس یدالله شمایی، مهندس سیدعلی روح‌الامین، مهندس بحرینی و سردار خامنه‌ای در مورد سیر راهسازی در دوران دفاع مقدس برگزار گردیده است.

سایر مجموعه‌ها و سایر وزارتخانه‌ها هم می‌توانستند کمک کنند معادن و فلزات خیلی می‌توانست کمک کند، همین دستگاه‌های حفاری یا دستگاه‌های برای خرد کردن سنگ، ما می‌ماندیم پشت یک سنگ که چطور انفجار کنیم و چکار کنیم..

تقسیم بندی اینطور بود که جلو و در سنگ‌های خط و اینها را بچه‌ها با بیل و کلنگ انجام می‌دادند، عقب تر را جهاد انجام می‌داد از آنجا به عقب را وزارت راه انجام می‌داد. که آن جاده‌هایی که سپاه یا بچه‌های جهاد درست می‌کردند که عقب تر بود منتها با استانداردهای وزارت راه سعی می‌شد که بچه‌های وزارت راه آنجا باشند که بعد که می‌خواهند آسفالتش کنند احتیاجی به این نباشد که بیایند جاده را دوباره بسازند.

این بود که در این مقاطع بود که تقسیم بندی شد.

* شما در مورد سیر تکاملی صحبت کنید.

* **مهندس شمایی:** به لحاظ نوع کاری که جهاد تشکیل شده بود به فرمان امام، امام فرموده بود که سپاه برای حفظ انقلاب و مباحث ضد انقلابی و این چیزهاست. جهاد را گفته بود برای سازندگی. خدا روحشان را شاد کند. سال ۵۸ که جهاد تشکیل شد و قبل از سال ۵۸ بچه‌های انقلاب هرکسی که بلد بود با هر امکانی که داشتند به طرف روستاها رفتند.

چون آقای روح الامین تشریف آوردند، خودشان بهتر توضیح می‌دهند که چطور آمدند و اولین جاده‌ها و اولین کارها و جاده وحدت و شهید شهشهانی و سیر تکاملی را ایشان توضیح خواهند داد. در بخش جهاد بایستی هرچی می‌خواهید از آقای روح الامین بخواهید و انشاء... حضور ایشان بتواند این بحث‌های مهندسی و راه و اینها را پررتر کند.

* **مهندس سیدعلی روح‌الامین:** در رابطه با آبادان شاید دوستان دیگر و خود حاج آقا صحبت کرده باشند من خاطرات خودم را خدمتان عرض می‌کنم. سال ۵۹ نمی‌دانم آبادان یا آذر بود، از بندر امام از طریق لنج به سمت آبادان رفتیم، تقریباً ۳۶ ساعت روی لنج بودیم، تا بالاخره در چوئیده پهلو گرفتیم. مسیری را پیاده رفتیم. اون خستگی ۳۶ ساعته و بعد پیاده رفتیم تا مکرمان که در اول جاده خرمشهر یک سازمان برق منطقه آنجا که ساختمان بتونی خیلی خوبی داشت رفتیم. از ابتدا کار مهندسی که آنجا خودش را نشان می‌داد یک اسکله بود که چوئیده نیاز داشت. لنج که می‌رفت، تنها مسیر پشتیبانی از آبادان هم همین مسیر بود که از بندر امام می‌رفت چوئیده و پهلو می‌گرفت. اسکله ای نبود که لنج‌ها پهلو بگیرند. جاده‌ای هم که بود تا می‌خورد به جاده اصلی خسروآباد، آن جاده هم جاده روستایی بود منتها شن ریزی مناسبی نداشت، خودرویی هم اگر می‌خواست برود به سختی می‌رفت. از ابتدا شروع شد که کار اسکله را شروع کنند.

*** اگر موافق باشید یک بحثی را باز کنیم به عنوان سیر تکاملی راه سازی خودی در طول جنگ تحمیلی. از ابتدا کجا بودیم و به کجا رسیدیم، توانمندی‌هایمان و ابتکارات و خیالات‌هایمان چطور ظهور و بروز کرد و توانستیم سیر تکاملی داشته باشیم. ما شاید از ابتدایی ترین راه‌های دسترسی شروع کردیم و از آن به قول آقای بحرینی بعضی جاها مجبور می‌شدیم با بیل و کلنگ جاده بسازیم به علت نبود و ضیفی که در تجهیز و امکانات داشتیم و همینطور شاید بی تجربگی ما.**

بعد با وارد شدن توانمندی‌های اضافی به جنگ و تجهیزات و ماشین آلات و تکنولوژی و تجربه و فناوری قطعاً ما سیر تحولی و تکاملی داشتیم. خواهیم این است که بحث سیر تکاملی خودی را از جنبه‌های مختلف، از جنبه تجهیزات، تجربه، دانش علمی و فناوری اشاره بفرمایید که کجا بودیم؟

* **مهندس بحرینی:** من فرمانده عملیاتی بودم آن اوایل و آن کارها را دنبال می‌کردم. کار مهندسی جنگ اوایل در مهندسی سپاه نبود، جهاد بود که کار را انجام می‌داد. اوایل بستگی به هرکسی بود که در مملکت مسئولیتی داشت. مثلاً یکی از ویژگی‌های کار ما این بود که آقای مهندس سعیدی کیا خودش یک آدم اهل جنگ و جبهه و غیره بود، وزیر راه هم بود، یعنی اولین کسی که وارد کار جنگ شد، دوم وزیر کشاورزی بود که آمد، او یک مقداری کمتر. ولی وزارت راه که آمد گفت من چه کمکی می‌توانم انجام دهم؟ هم امکانات کمک می‌کرد و هم سازمان‌هایش را سازمان می‌داد. یکی از بحث‌هایش این بود که شما بلدوزرها را به ما تحویل بده، آن اوایل دعوائی که داشتیم این بود که می‌آمدند می‌گفتند امکانات وزارت راه را بگیرید به ما بدهید که ما برویم کار کنیم.

دوستان جهاد از خط اول یک مقطعی را می‌آمدند کار می‌کردند، از آنجا به بعد که جاده عقبه حساب می‌شد. جاده‌های جنگی که زیر آتش بود را جهاد کار می‌کرد، آنجایی که کمتر زیر آتش بود به دست وزارت راه بود. وزارت راه خودش داوطلب بود، قبل از اینکه بگویند امکانات بدهید، اوایل وزارت کشاورزی امکانات می‌داد، همیشه هم امکانات قراضه‌شان را میدادند، هیچ موقع هم امکانات درست حسابی و خوب نمی‌دادند.

* پس اداره راه نهایتاً منتهی شد به اداره راه کربلا؟

* **مهندس بحرینی:** که بعداً محور بندی که می‌کرد آمد گفت ما قرارگاه‌های موازی قرارگاه‌های شما انجام می‌دهیم که این از ویژگی‌های آقای سعیدی کیا بود که آمد خودش در کار و آلا



یک طرف دشمن آمده بود تا ذوالفقاریه، آن طرف هم هورشادگان بود. بعد مرزی که بین هورشادگان تا دشمن ایجاد شده بود و احتمالی هم بود که اگر هور هم خشک شود باز دشمن پیش می‌آید، یک مرز سر این جاده کشیده شود با هدف رفع محاصره. در آبادان هم از سه جهاد؛ جهاد اصفهان و جهاد فارس و جهاد آبادان بودند. در این موضوع قرار شد که همه امکانات جهادها با هم جمع شود و یک کاری را ضربتی شروع کنند. آن زمان من مسئول این کادر شدم، امکانات سه جهاد را تقریباً هرچه بود در اختیار گذاشته شد و این جاده را شروع کردیم. بدو کار مسیریابی بود، یک مسیری را باید پیدا می‌کردیم که هم از کنار هور باشد و هم از دشمن هم فاصله داشته باشد که بشود کار کرد.

* این جاده فرمودید حدفاصل جاده ماهشهر، آبادان

تا آبادان اهواز بود؟

* **مهندس روح الامین:** نه جاده وحدت یک جاده ای بود از حاشیه بهمنشیر از خود جاده اصلی، ایستگاه دوازده این جاده ادامه داشت. از این جاده به جاده بندر امام آبادان از اینجا وصل بود.

* هورشادگان قسمت اعظمش بالا دست جاده

ماهشهر - آبادان بود.

* **مهندس شمایل:** خور دولت، مد که می‌شد می‌آمد در جاده آبادان ماهشهر و حتی آبادان اهواز را می‌گرفت. از خور دولت از خور موسی که می‌گویند لنجشان به گل نشست، در مدهای بزرگ همین آب کامل می‌آمد.

* **مهندس روح الامین:** ما مسیریابی کردیم که مسیریابی

کار اسکله را جهاد فارس شروع کرد، آقای دانش جعفری و ... اینها اسکله را شروع کردند منتها ترمیم جاده خاکی را که از اسکله می‌رفت به جاده آسفالت خسروآباد ما تحویل گرفتیم. اول تعمیر کردیم، بعد شن ریزی کردیم و بعد آسفالت کردیم.

امکاناتی هم که آنجا بود کافی نبود. مثلاً برای شن‌ریزی معدن نبود، جاده روستایی فرعی می‌رفتیم جمع می‌کردیم یا از خود شهر هم جاهایی که مانده بود یا مثلاً دپوی خاصی بود یا شرکت نفت و اینها می‌رفتیم استفاده می‌کردیم برای شن ریزی. ولی خاطره آسفالتش خیلی جالب بود. آسفالت را پیدا کردیم. رفتیم از شرکت نفت قیر بشکه‌ها را بر می‌داشتیم خالی می‌کردیم، دو تا تانکر قیرپاش هم در شرکت نفت پیدا کردیم، اینها را راه اندازی کردیم. قیرهای بشکه ای را شب‌ها آب می‌کردیم، می‌بردیم در همان جاده. خیلی سخت بود ولی جاده را آسفالت کردیم.

بعدها هم که من رفتم در عملیات والفجر ۸، هنوز آن آسفالت بود. ولی با خیلی سختی، هم امکاناتش از غلتک و قیرپاش و اینها که جور کردند در شرکت نفت قیرها و آسفالت طی کردن و آنجا را آسفالت کردن خیلی سخت بود.

البته دشمن هم دید داشت روی آنجا ولی حساس نبود، اون اواخر حساس شد وقتی که آسفالت تمام شد، دیگه مرتب می‌زد. یکی از کارهای شاخص این بود که انجام دادیم. همزمان بعد اینکه این کار تمام شد آبادان هم محاصره بود همه در فکر این بودند که آبادان را به شکلی از محاصره دربیاورند. یکی از فکریایی که اتفاق جنگ کرده بود هم از بندر امام. هم از آبادان هماهنگ شده بود که این جاده را احداث کنند. جزیره آبادان از



من می‌گویم که تسهیل کردن تردد و عبور برای یگان‌های رزم و یگان‌های پشتیبانی با توجه به اهمیت زمانی که در جنگ برای زمان قائلند. این بحث توپخانه، ادوات، زرهی، نیروهای پیاده، تخلیه مجروحین و شهدا و هرچیز دیگری که بایستی انجام می‌شد بایستی این تردد واحدها و یگان‌های رزم تسهیل می‌شد که آن اسمش راه بود. اولین مرحله راه بود بعد مسئله خاکریز و محورهای دیگر ضرورت داشت

مهندس ید... شمایل



تاکتیکی هم به لحاظ آتش‌های مستقیم و حتی هواپیمای دشمن روی این جاده لحاظ شده بود یا نه فقط زمان و نزدیکی راه و صرفه جویی در وقت و امکانات بود. به نظر من این جاده که من دیده بودم و اجمالی یادم هست بسیار مستقیم بود و کمتر انحناء داشت چون زمین هم فاقد عارضه بود، به لحاظ طبیعی ایجاب می‌کرد که جاده مستقیم باشد.

* **روح الامین:** بله جاده کاملاً مستقیم بود، یک دوربینی گذاشتیم و مسیر را پیاده کردیم.

* **شمایلی:** من حرف حاج آقا را تکمیل کنم. من اول سال ۶۰ رفتم آبادان در منطقه سوسنگرد و منطقه عمومی اهواز بودند اینها. نیمه اول فروردین رفتم، بعد که در جریان جاده وحدت قرار گرفتم، خیلی سازمانش را نمی‌دانستم که چه کسی است. اما ما یک بخشی را این موضوعی که شما می‌فرمایید اولین خاکریز را از طرف عراقی‌ها زدیم که خود این باعث حفاظت جاده به لحاظ دید و تیر و ... باشد.

* **روح الامین:** ما آن زمان که اوایل جنگ بود به این مرحله نرسیده بودیم که جاده و خاکریز بزنیم. حتی جاده فیاضیه که از جاده ذوالفقار می‌رفتیم تا خط اول راه مستقیم بود و هواپیمای دشمن که می‌آمد آماج بندی می‌کرد، شهر خرمشهر هم جاده‌های اصلی اش همینطور بود.

* **شمایلی:** آقای روح الامین یک نکته ای گفت من یاد یک چیزی افتادم. در بخش پل که می‌خواهید وارد شوید اولین پل‌هایی که جهاد روزهای اول روی بهمنشیر آن زمان در محاصره بچه‌های جهاد شهید هزارستان پل بشکه ای را روی بهمنشیر می‌زند. در سال ۵۹ بعد همان تیم بچه‌های اصفهان و نجف آباد پل دبه‌ای را در فیاضیه می‌زنند.

* **ما روی پل هزارستان اتفاقاً صحبت داریم باید حتماً باشند.**

* **شمایلی:** درسته شهید هزارستان شهید شده ولی او که تنها نیست، بچه‌های دیگری هم از اصفهان بودند، موقعی که جاده وحدت تمام شد، خورد به جاده شمال یا شرق بهمنشیر، خب این اگر می‌خواست نباید باید می‌آمد روی پل ارتشی، پل PMP در منطقه ذوالفقاریه و از آنجا می‌رفت. بعد از آن همین پل دوبه‌ای را برای اینکه مجدداً در تیر و دید دشمن نروند، دشمن آنجا خیلی آتش می‌ریخت، یک پل دوبه‌ای روی ابوشانک زدند که می‌آمد در آبادان که یک بخش آن به طرف خسروآباد می‌رفت و یک بخش آن به طرف آبادان می‌رفت. این چیزهایی است که برای غنی کردن این کارها نیاز است. اکثر آدم‌های آن هم هستند. مثلاً در بحث خاکریز من دیدم هیچکدام از بچه‌های جهاد نیست. شما

را آقای دانش جعفری، بنده و آقای معلم از بچه‌های فارس مسیر پیاده کردیم و برای اینکه مسیر هم با دوربین باید پیاده می‌شود، با تراکتوری که آقای معلم برد رفتیم آن طرف، جاده بندر امام و برگشتیم.

رد تراکتور تا یک مسیر قطع می‌شد. کار را هم شروع کردیم ولی جالب این بود که اصلاً ما بحث حفاظت و... نداشتیم. اصلاً همچین بحثی نبود که آن جاده مثلاً آنجا هفت هشت کیلومتری دشمن بود و این طرف هم هیچکس نبود. بعدها هم که جاده مد و احساس نگرانی کردیم که احتمال دارد دشمن بیاید بگیرد و بچه‌های بهبهان آمدند، بالاخره این جاده زده شد.

* **مهندس بحرینی:** خدا رحمت کند شهید شجاعی را در آنجا که کار می‌کرد آنقدر مهندسی نبود ولی عملیاتی بود.

* **مهندس شمایلی:** من یادم هست شهید مظفر و شهید ادب اولین بچه‌های مهندسی با لباس سپاه می‌آمدند، شهید مظفر بود و بعد هم شهید ادب بود که شهید ادب در دریا غرق شد.

مهندس روح الامین: آن موقع آقای لیلی زاده و آقای سعید شجاعی اینها آن زمان جاده وحدت را بحث بود که گفته بودند امنیت ندارد، تامین آن چه می‌شود و

* **شهید شهشهانی چه نقشی داشتند؟**

روح الامین: شهید شهشهانی یک روز، بحثی بود که یک هماهنگی باید بین ما و بندر امام باشد.

* **از بندر امام هم کسی کار می‌کرد آن طرف؟**

* **روح الامین:** بله مثلاً آقای الموسوی تبریز مسئول محور آنجا بود.

یک روزی آقای شهید شهشهانی با آقای الموسوی آمدند در محور ما کار را دیدند بعد رفتیم در معدنی که داشتیم لودرمان چون خراب بود، ایشان هم لودر را دید و رفت. بنده با آقای شهشهانی دبیرستان همکلاسی بودیم. درسش خیلی خوب بود. در مدرسه ما ایشان شاگرد اول بود و دنبال کنکور سراسری بود، کنکور آن سال نفر دوم شده بود دانشگاه تهران رشته راه و ساختمان قبول شده بود. ما آنجا با هم رفیق بودیم.

گفت لودر را راه می‌اندازیم. دو سه روز بعد شنیدم که در شهر سوسنگرد شهید شدند.

آمد در جاده و گفت مشکلی نیست و جاده را کی تمام می‌کنید؟ ما هم گفتیم کی تمام می‌کنیم و هماهنگی انجام شد. به هر صورت این جاده الحمدلله سر زمان بندی اش انجام شد.

* **سردار خامنه‌ای: آقای مهندس با توجه به فاصله**

کمی که دشمن با این جاده داشت، ملاحظات



مهندس مهدی گلی را بیاور و بگو خاکریز جلوی زید را توضیح بدهد. مثلاً بچه‌های ما در آبادان، آقای محمود حجتی خاکریز و جاده و اینها...

*** برای اینکه از حضور عزیزان بیشتر استفاده کنیم، جناب روح الامین در مورد همین راهسازی لطفاً ادامه بدهید.**

*** روح الامین:** در آبادان دو محور اصلی از کارهای جهاد بود. البته کارهای پشتیبانی در آنجا صورت می‌گرفت و من در جریانش نیستم.

*** در سایر محورهای جنوب مواردی در رابطه راه و راهسازی در ابتدای جنگ مطرح بفرمایید.**

الان موضوعی که باید به آن بپردازیم سیر تکاملی راهسازی خودی در طول جنگ است. آیا ما می‌توانیم یک سیر تکاملی و رو به جلو را در راه سازی در دفاع مقدس فرض کنیم و اینطور بیان کنیم که ما به مرور که جلوتر رفتیم، براساس انباشت تجارب، وارد شدن تجهیزات، باز شدن دستمان، دانش علمی و دانش فنی، راهسازی ما در دفاع مقدس سیر تکاملی و رو به جلو داشته است؟ در این مورد آقای شمایی، آقای بحرینی و آقایان دیگر اگر لازم می‌دانید توضیحاتی را بفرمایید. اینطور عرض کنم که آقای بحرینی به حق اشاره کردند، جاهایی بود که ما هم به لحاظ مشکل بودن دسترسی به تجهیزات که امکانش نبود یا به علت ضیق و فقری که در این زمینه وجود داشت جاهایی ما مجبور می‌شدیم با دست راه بسازیم راه‌های ارتباطی با مسافت‌های کوتاه و کیفیت‌های پایین و ما این سیر را دیدیم که روز به روز جلوتر می‌رفت و راه‌های آنچنانی در جنگ ساخته می‌شد. در این مورد به عنوان سیر تکاملی توضیح دهید.

*** روح الامین:** اینکه سیر تکاملی به لحاظ دانش راهسازی در جبهه اگر بخواهیم بگوییم که دانش در ابتدا نبوده، اینطور نبود، وجود داشت منتها نوع جاده و نوع استفاده بستگی به امکانات باید تعریفش کرد.

*** رفتار دشمن هم تاثیر داشت، شیوه‌ها و تاکتیک‌هایی که ما اتخاذ می‌کردیم در مقابل توانمندی‌های دشمن، مثلاً جاده وحدت که زده شده بود در یک خط ممتد مستقیم داده شده بود بدون لحاظ کردن ملاحظات تاکتیکی ولی رفتار و عملکرد و توانمندی‌های دشمن در سیر تکاملی ما را وادار کرد به اینکه جاده‌های ما حتماً در یک**

خط مستقیم نباشند، ترکش گیر داشته باشند، برای خروج آب تدابیری بیندیشیم و موارد این چنینی. یعنی دانش فنی وجود داشت و عمومی بود که چه کسانی که راهسازی دخیل بودند چه بنیه علمی که در کشور وجود داشت. دانش علمی و فنی وجود داشت اما ما مزیغیه‌هایی داشتیم و از آن طرف هم شاید بی‌تجربگی‌هایی در مسائل تاکتیکی و نظامی داشتیم در مقابل دید و تیر دشمن و مسائل اینچنینی..

*** روح الامین:** هرچقدر زمان می‌گذشت بستگی به شرایط زمان، نوع نیاز متفاوت بود. اینکه نوع خاک چگونه باشد، حسب نیاز بچه‌های مهندسی هم تدبیر می‌کردند.

بستگی به نیاز و شرایط اینها؛ مهندسی جنگ با توجه به حضور قسمت‌های مختلف از جهادها نیازها را تامین می‌کردند، اگر از این جهت بگوییم سیر تکاملی. نه به لحاظ اینکه در ابتدا نمی‌دانستیم چکار کنیم.

*** یا مثلاً به دلیل تجهیزات فنی مثل ماشین آلات و تجهیزات امثالهم**

*** روح الامین:** این از یک لحاظ است و لحاظ دیگرش هم نوع استفاده، نوع جاده، بعضی از جاده‌ها عملیاتی بود که بعد از عملیات دیگر قابل استفاده نبود. جاده عملیاتی به لحاظ اینکه مباحث مربوط به مجروح و ... یا فریب دشمن یا مباحث دیگری که عملیات لو نرود، جاده‌هایی زده می‌شد.

*** جاده‌های فریب یا جاده‌های اضطراری؟**

*** روح الامین:** نمی‌شود گفت چون ما جاده زدیم یک راه دسترسی از عقبه باز کردیم، در آنجا ما اصول مهندسی را پیاده نکردیم و فله ای کار کردیم. نه اینطور نبوده، برحسب نیاز برحسب نوعی که خواسته شبکه زمان جنگ بود.

*** چه بسا خیلی جاها بوده که ما با یک تیغه گریدر می‌توانستیم ارتباط موقت و اضطراری ایجاد کنیم.**

*** شمایی:** اسم آن یک تیغ بود ولی باعث می‌شد که در دشت خوزستان مثلاً در منطقه عملیاتی بیت المقدس که هنوز خاکریز نبود و عقبه نبود، این یک خط، یک جاده که با یک تیغ زده می‌شد و یک موتوری یا ماشین یا آمبولانس عبور می‌کرد بسیار تعیین کننده بود. در شب کافی است جاده نباشد، شاخصی نباشد، در اثر آتش یا حادثه یا حواس‌پرتی راننده پنج درجه فرمان

بحث طراحی و طرح است که متناسب با شرایط زمین، سلاح دشمن، نیازمندی عملیات اینکه یک ایده و طرحی بدهی بسیار مهم است، یعنی یک طرحی بدهی که همه این جوانب را لحاظ کرده باشد و پاسخگو باشد. این بود که منجر شد به همچنین جاده هایی، یعنی این طرح و ایده بسیار مهم است اصلا نمی شود مقایسه کرد که آیا ما یک جاده با مشخصات فنی اجرا کردیم، آیا اصول مهندسی در آن رعایت شده است؟

مهندس روح الامین



۴۰۲ هم بخشی از آن دست دشمن بود و تنگه سلمان کشته، دقیقا ماشین های ما را مخصوصا غروب که آفتاب در چشم ما بود و دید خوب روی دشمن داشت، اکثر ماشین های تدارکات و تخلیه مجروح را می زد و مشکلی اساسی ایجاد شد. من با شهید حاج خلیل پرویزی رفتیم یک شیار پیدا کردیم، جاده را هماهنگی اولیه کردیم، استقبالی هم نشد از فرماندهی؛ ولی گفتیم می زنیم یک روزی این جاده به درد می خورد. رفتیم جاده را در شیار بدون دید زدیم، در روز هم کار می کردیم، در این شیار رفتیم پشت ۴۰۲ در آمدیم، رفتیم به یک میدان مین برخوردیم، رفتیم از شهید باکری تخریبچی گرفتیم. تخریبچی ها آمدند از این موش خوبا بود، من و حاج خلیل دیدیم یک دفعه منفجر شد، بچه ها، جوان های آذربایجان بودند دو سه تایی از آنها شهید شدند و یکی از آنها هم زخمی شده بود با هزار زحمت بردیم اینها را رساندیم یک جایی که جاده خیلی روان بود. برایشان جا نیفتاده بود.

گذشت ما از غرب آمدیم جنوب، در سال ۶۶ دفاع متحرک دشمن با آقای موحدخواه رفتیم آنجا، ما را برد از کرمانشاه و اسلام آباد رفتیم در منطقه سومار، هی دیدم که جاده آشناست، شده بود جاده اصلی، یکم که دقت کردم دیدم همان جاده ای است که سال ۶۱ ما زدیم الان شده جاده اصلی. یعنی دشمن کم کم آمده بود جلو در ارتفاعات و بچه ها مجبور شده بودند این جاده را درست کنند یعنی بر اساس ضرورت، شرایط و دید دشمن جاهای مختلف جاده ها درست می شد. مثلا در منطقه جنوب در عملیات فتح المبین تنگه زلیجان را که بچه های جهاد، عقبه دشمن را، توپخانه دشمن را جمع کردند. با یک هزینه کم ولی با ابتکاری که نوشته بودند زلیجان را خدا شکافت رفته بودند آن پشت.

را تغییر دهد.

یک شبی در آبادان رفتیم بین اسدی و احمد کاظمی خاکریز بز نیم. رفتیم دور خوردیم. یک لحظه نمی دانم چی شد؛ آمدیم دیدم رسیدم به یک خاکریز، می ترسیدم از عراقی ها یا از خودی هستند، آرام حسین عبداللہی را صدا زدم، فهمیدم که یک مقدار لودر و ماشین ما چپ شده، لودر و ماشین هم آمدند پشت سر ما دور زدند و حواسم نبود. این بود که یک تیغه بسیار تعیین کننده بود. یا اینکه در غرب یک تیغ بولدور یا یک تیغ گریدر می توانست آدم را به خط برساند یا نه، یک دفعه پرت شوید به جای دیگر.

*** بحرینی:** قبلا عرض کردم که ما در منطقه غرب بنا به توپوگرافی زمین بایستی انجام می دادیم. می دیدم دشمن آنجاست و می آمدیم می گفتیم که جاده از کجاها باید حتی الامکان ببریم که بتوانیم. آن هم جاده عملیاتی بود یعنی اینکه بتواند تخلیه مجروح را انجام دهد. بعد از اینکه تخلیه مجروح انجام می شد از فردا صبح تیمی که نقشه بردار بود می آمد شروع می کرد که جاده اصلی را توسعه دهد.

جاده اصلی هم که لازم هست با ملاحظات دید دشمن و اینها بود یعنی ممکن بود بعضی جاها از یک مسیری برویم ولی می گفتیم نه باید از پشت کوه برویم.

*** شمایل:** ما در عملیات مسلم بن عقیل سال ۶۱ که رفتیم سومار و میمک رو تپه ۴۰۲ یک جا بود سلمان کشته. یک طرف شهید باکری، حمید و مهدی بودند. یک طرف هم یک تنگه ساموآپا بود، این طرف هم ۴۰۲ بود.





می‌کرد، ضمن اینکه دشمن را هم هوشیار می‌کرد لذا از این مازوت‌ها از پالایشگاه آبادان می‌آوردند، ماشین‌ها و تانک‌های مازوت پاشی‌ها بود و کلی از تلفات جلوگیری می‌کرد. * این مشکل ما را حل می‌کرد و باز هم موجب مشکلات دیگری می‌شد مثلاً برای هواپیمای دشمن که مسیر جاده را مشخص می‌کرد.

* **بحرینی:** یک مدتی بود مازوت می‌ریختند، فصل مناسبی نبود یعنی بلافاصله بارندگی می‌شد. بعد از آنکه یک عده ای از دوستان جمع شدند خدا رحمت کند آقای پورشریف راه آمد و در محور قرار گرفت و با مرحوم ادب و عده از بچه‌ها و آقای سعیدی کیا اینها آمدند گفتند شما بعد از اینکه عید تمام شد، جاده را تیغ زدید و آماده کردید و بارندگی تموم شد این را مازوت بپاشید که تا پاییز دوباره اگر باران بیاید، تقریباً خاک رویش را گرفته و محکم شده و آن مشکلات را ندارد.

* **شمایلی:** در جاده سازی در منطقه آبادان، والفجر ۸ که آماده می‌شد تا اواخر عرب‌ها در منطقه چوئیده و در منطقه خسرو آباد بودند. بحث این بود که ما در قالب کمپرسی‌های مردمی و بازسازی جاده‌های داخل نخیلات انجام شود، البته جهاد فارس از سال ۵۹ از داخل نخل‌ها جاده‌ها را با همین ترتیب درست می‌کردند.

بعداً که کمپرسی‌های مردمی قرار شد بیابند اینها را در قالب بازسازی به کار گرفتند، رنگ جنگ نداشتند و ماشین‌های آنها

مثلاً جاده طریق القدسی؛ جاده‌ای که از رمل‌ها، از ارتفاعات الله اکبر بعد از پادگان حمیدیه، که شهید خرازی و ردانی‌پور اینها رفتند پشت عقبه دشمن در قرارگاه فرماندهی و توپخانه‌های دشمن را پشت سابله گرفتند همین جاده بود. زلیجان فتح المبین است، نوار شهید صیادشیرازی هست که می‌گفت ما محاسبه کردیم اصلاً گلوله‌های ما با حجم عملیات و وسعت منطقه جواب نمی‌داد ولی این جاده موجب پیروزی شد. جاده رملی که خودش نوع ساختش و نوع مصالحی که به کار بردند با توجه به مصالح منطقه و این شرایط را بایستی آقایان علی آبادی و حسن بیگی توضیح بدهند که آنجا بودند، ما اینها را شنیدیم.

* **روح الامین:** این چیزی که حاج آقا گفتند بحث طراحی و طرح است که متناسب با شرایط زمین، سلاح دشمن، نیازمندی عملیات اینکه یک ایده و طرحی بدهی بسیار مهم است، یعنی یک طرحی بدهی که همه این جوانب را لحاظ کرده باشد و پاسخگو باشد. این بود که منجر شد به همچنین جاده‌هایی، یعنی این طرح و ایده بسیار مهم است اصلاً نمی‌شود مقایسه کرد که آیا ما یک جاده با مشخصات فنی اجرا کردیم، آیا اصول مهندسی در آن رعایت شده است؟

* **وجه تمایز راه و راهسازی نظامی و غیر نظامی هم همین است. یعنی ما در کنار لحاظ کردن دانش علمی و دانش فنی و آخرین دستاوردهای تکنولوژی می‌آییم ملاحظات نظامی و ملاحظات تاکتیکی این منطقه برگرفته از نیازمندی‌های خودی و توانمندی‌های دشمن را هم در جاده لحاظ می‌کنیم و مضافاً بر این تأثیرات ویژه‌ای که جو و زمین بر جاده می‌گذارد. شما تأثیرات جو را ببینید، با یک بارندگی جاده‌های خوزستان همین جاده‌های آسفالت منتهی به آبادان و خرمشهر به چه وضعی می‌افتد. چقدر ما تصادفات داشتیم.**

* **شمایلی:** خدا رحمت کند شهید پورشریف راه، می‌گفت که اولین مهندس راهسازی قاطر هست، دنبال قاطر بروید. این یک بحث است. یکی از بحث‌هایی که می‌شود مطرح کرد، ما سال‌های اولیه جنگ امکان آسفالت جاده‌های خط یا جاده‌های عملیاتی را نداشتیم، ولی به خاطر اینکه در جنوب گرد و خاک زیاد می‌شد، ماشین که می‌آمد بلافاصله بعد از آن گرد و خاک زیاد می‌شد که تصادفات را زیاد می‌کرد و هم حرکت را کند

داشتیم در آنجا بودند، ما رفتیم آنجا بعد از آن هم زین الدین و برادرش شهید شدند بعد از آنکه از آنجا رفتند در جاده شهید شدند. شهید زین الدین از ملخ خور که ما آمدیم پایین و گفتیم که تمام شد، ما در جاده کرمانشاه که داشتیم می‌رفتیم از ما پرسیدند آقای بحرینی شما که مسئول مهندسی اینجا هستی با توجه به هر چه که بخواهید ما تامین کنیم شما چند ماهه جاده ملخ خور را درست می‌کنید، یک جاده اتوبانی تقریباً درست کنید تا بتوانیم لشکر و ماشین‌ها بروند و تریلی‌ها رد شوند.

در سندج هم ما رفتیم آنجا شهید کاظمی گفت که ما می‌رویم آنجا مقرر داریم و ما رفتیم آنجا، احمد کاظمی گفت من کسی را نمی‌شناسم اینها بچه‌های شادگان و نجف آباد بودند.

خلاصه ما را راه ندادند، تا آخر با استیکی رفتیم، گفتند اگر با استیکی بروی ممکن است لو برود و همه می‌فهمند ما برای چه کاری آمده ایم. چاره ای نداشتیم باید جایی می‌رفتیم و ناهار می‌خوردیم و نماز می‌خواندیم. گفتیم کسی نباشد کسی نیاید.

از آنجا ما حرکت کردیم از جاده سندج که حرکت کردیم به سمت بالا از این ماشین به آن ماشین می‌رفتیم، گفتند ما نمی‌توانیم این را قانع کنیم، حتی یکی دوتا از دوستان به ما گفتند این بچه‌های غرب اصلاً اهل جنگ نیستند. آقای بحرینی نمی‌خواهند عملیات انجام شود؟ فقط تنها کسی که لبخند ملیح می‌زد شهید کاوه بود.

به من گفتند چه مدت می‌توانی جاده را بزنی، گفتم ۱۰ ماه، ۹ ماه، یک سال فکر می‌کنم بتوانیم جاده را بزیم.

گفت مرد حسابی لشگرها حرکت کردند دارند می‌آیند. گفتم خب بگویند نیابند. یه مقدار مرتضی قربانی با ما بحث کرد که آقا چرا این حرف را می‌زنی...

خلاصه ما رفتیم رسیدیم به سه راه ملخ خور و از آنجا یک جاده ناجوری داشت و توی جاده که می‌رفتیم بالا من به شهید زین الدین گفتم که مهدی جان این باطری ضد یخ دارد از جنوب آمدیم، گفت نه! حاج آقا ما اصلاً ضد یخ نداریم، گفتم خب آب را خالی کن استارت بزنی که سر سیلندر خالی شود. گفت برای چی؟

مهدی گفت آقای بحرینی تجربه این منطقه را دارد، هرچی می‌گوید گوش کن، خالی کرد، هوا ابری شد ما پیاده جاده ملخ خور را رفتیم بالا یک سنگری بود که بچه‌ها آمدند و لطف کردند، ما حدود ۱۰، ۱۲ نفر بودیم که در یک سنگر همه همینجوری چسبیده به هم نشستیم. جای دیگری نبود و همان یک سنگر بود، ما رفتیم آنجا نشستیم و گفتند که قمقمه را پر کردند و گذاشتند کنار ما و هر چه گفتند آقا چایی می‌خوری چیزی می‌خوری گفتیم نه من چیزی نمی‌خورم، میدونستم که دردسر دارد.

عادی بود، عرب‌ها فکر می‌کردند این کارها برای روستاها است و نمی‌دانستند بعداً قرار است از اینها استفاده کنیم.

*** روح‌الامین:** در بحث جاده در بسیاری از عملیات‌ها، احداث یک جاده ای پیش نیاز عملیات بود و بعد اینجا مهندسی می‌آمد زمان می‌داد، فرماندهی روی این زمان حساب باز می‌کرد. تنظیم می‌کردند روی اینکه این جاده کی با چه توانی با چه امکاناتی، چطور، شب، روز پیشروی اش را چک می‌کردند چرا که پیش نیاز عملیات بود، یکی از کارهایی که قرار بود برای عملیات انجام شود احداث جاده بود. آن در شرایط خودش، بحث غافلگیری و اینکه لو نرود و دشمن هوشیار نشود و ... باید یک زمان بدهید.

*** بحرینی:** چیزی که ایشان می‌گویند جاده ملخ خور، یک روز دوستان همه فرماندهان لشکر آمدند، آقای مرتضی قربانی و آقای غلامپور گفتند که طرف مریوان می‌خواهیم یک عملیاتی انجام دهیم. از یک طرف هم ما دیدیم که گفتند تیپ و لشگرها آماده باشند که نیروهایشان رو حرکت بدهند، مهرماه یا آبان ماه بود

*** شمایل:** نه بیشتر بود، قرار بود که در فاو عملیات انجام شود، تکمیل والفجر ۸ شود، ما رفتیم پای کار، آذر و دی بود...

*** بحرینی:** نه دی نبود، بعد آمدند گفتند که می‌خواهیم آنجا جاده بزیم، کسی که حرف من را در همه فرماندهان می‌فهمید خدا رحمت کند شهید کاوه بود. هر چه فرمانده لشکر



گذشت و کم کم تا اینکه هوا ابر شد و نماز مغرب را خواندیم و نشستیم، چیزی نبود که، همه آنها یک عده ای جلوتر بودند، یک عده ای عقب تر بودند که بتوانیم بشینیم تا اینکه شب شود و برویم شناسایی.

شب شد به مرتضی گفتم که من آماده‌ام برای شناسایی برویم، دیدم برف سنگینی نشسته است.

تا صبح شد و خلاصه هیچکس آنجا نمی‌خوابید. یک عده تیمم کردند و یه عده هم آبی داشتیم که من وضو گرفتم با همان قمقمه ولی دوستان گذاشته بودند بیرون یخ زده بود، سرد بود دیگه.

ما هم همین افرادی که آنجا بودیم با گرمای آنجا یک مقداری گرم شدیم، صبح که شد نماز صبح و اذان دادند به مرتضی گفتند که تو برو جلوتر ما به تو اقتدا کنیم. نماز که خواندیم به آقا مرتضی گفتم تا هوا روشن نشده ما باید این را انجام بدهیم. رفتیم دیدم که تا کجا برف است تا اینکه به هم خورد. شهید کاوه گفت همان ۹ ماهه درست شود خوب است. این بود که آنجا بود که به آنها گفتم اینجا باعث بحث را باید بشناسید. این اتفاق بعد از عملیات بدر و قبل از عملیات والفجر ۸ بود.

گفتم اینجا باید مه باشد که در مه کار کنید، تانک‌های دشمن آن جلو هستند و شما را می‌زنند که یکی از دوستان که آنجا بود و یکی از دوستان که لشکر ۲۷ بود گفت آقا جاده را اگر نمی‌توانی بزنی در آنجا جلسه گذاشته شد که جاده ملخ خور و جاده شاخ شمیران بود که می‌خواستند عملیات کنند که این دوتا به هم خورد....

که یک تیمی تشکیل شد که شهید همت بود با آقای کاشانی و من بودم و آقای صارمی و چند نفر دیگر، شهید صبوری گفتند بروید نگاه کنید ببینید حرف آقای بحرینی درسته یا حرف آقای کاشانی درسته که دوستان می‌گویند ما این جاده را ۴۸ ساعته می‌زنیم. ما از آنجا که رفتیم، رفتیم شناسایی، گفتند جاده مالرو هر جا که باشد می‌شود جاده زد، گفتم می‌شود ولی استشنا هم دارد یک وقت‌ها قاطر اینجوری می‌رود. گفتم جاده امامزاده داوود، که ما قبل از انقلاب با قاطر می‌رفتیم بعضی جاها خیلی وحشتناک بود ولی جاده قاطر بود.

آنجا بحث بود که جاده را می‌شود زد و همه بیایند برای عملیات.

چون آنجا وقتی ما گفتیم نمی‌شود جاده زد آقای شمخانی گفتند که راست میگی اینجا نشدیه فرماندهان نشسته‌اند و اگر بشنوند می‌روند.

گفتم اشکال نداره بعد از جلسه می‌گوییم، جلسه که تمام شد آقای شمخانی گفتند آقای همت شما و آقای بحرینی بروید

ببینید واقعا جاده ۴۸ ساعته می‌توان انجام داد؟ یا آن چیزی که آقای بحرینی می‌گوید خیلی خیلی امکانات بریزیم مثلا دو ماه طول می‌کشد می‌شود یک جاده عملیاتی زد که ماشین برود. ما رفتیم بررسی کردیم در همین مسیر که رفتیم به یک جایی برخورد کردیم که گفتیم بولدوزر از اینجا چطور می‌تواند بیپد. گفتند درست می‌گویید نمی‌شود.

این است که دو بار، یکی در شاخ شمیران بود که همه دوستان داشتند می‌آمدند برای عملیات که من به آقای محتاج، آقای ایزدی، آقای شمخانی گفتم که حاج آقا اینجا امکانش نیست که بگوییم یک تیغ می‌ندازیم و می‌رود ...

این است که عملیات‌ها به هم خورد به دو یا سه سال بعد افتاد. که من از آن موقع در دزلی آمدم شهید سلگی خدا بیامرز شد یک کمپرسی و بولدوزر گذاشتیم آنجا گفتیم آقای سلگی شما اینجا هم فرمانده ای هم فرمان پذیری، همه چی هستی، آقای صارمی می‌رفت به او سر می‌زد. این جاده را تا می‌توانی ببر پایین، حدود یک سال آنجا بود، هر موقع مه می‌شد شروع می‌کرد. یکی جاده شاخ شمیران را گذاشته بودیم، تیمی گذاشته بودیم آنجا کار می‌کرد که بتواند آن جاده را در مه بزند، غیر از مه نمی‌شد.

این بود که آقای روح‌الامین که می‌گوید بعضی اوقات لازمه یک عملیات این بود که آیا این جاده کی تمام می‌شود؟ بعضی اوقات ما می‌آمدیم مثلا آقای عزیز جعفری فرمانده قرارگاه قدس بود ما هم مسئول یگانی بودیم که کارهای اجرایی را انجام می‌دادیم بعد تقسیم می‌کردیم که هر کاری را چه کسی انجام بدهد.

بعد که هر چه می‌آمدیم جلو جمع می‌شدیم می‌گفتیم که اگر زمان می‌خواهی این همه اش نمی‌شود، کدام را حذف کنیم، مثلا می‌گفتند این جاده لازم نیست و خیلی هم کار شده بود روش ولی می‌گفتند فعلا رهاش کنید. اولویت بندی می‌کردیم.

*** خب ضمن تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید، ان شاء... ادامه این مباحث را در جلسات بعدی خواهیم داشت.**





رسم جهاد (۱)

قسمت نهم

علی مشایخی

کتاب رسم جهاد ۱ که اکنون چاپ ششم آن روانه بازار کتاب شده است، در شهریورماه سال جاری حائز رتبه دوم جایزه روایت پیشرفت شد. ماجرای این کتاب از یک سوال شروع شد «در جهاد چگونه با هم کار میکردید؟» این سوال را سال ۹۲ از مرحوم مهندس حسینعلی عظیمی پرسیدیم و ایشان گویی که کاملاً به این سوال فکر کرده بود و منتظر بود کسی بیاید و بپرسد، به دقت و به تفصیل در طی جلساتی به این سوال پاسخ داد. حاصل پیاده سازی و ویرایش و تدوین آن پاسخ، کتابی است که قصد داریم بخش هایی از آن را در نشریه سنگرسازان بیسنگر در طی چند شماره، منتشر کنیم. منتظر نظرات، پیشنهادها و دیدگاه های تمام مشتاقان، صاحبان اندیشه و پیشکسوتان عرصه جهاد فرهنگی هستیم.



کمیته فرهنگی

نحوه ایجاد واحد فرهنگی و کمیته فرهنگی

اوایل کار جهاد این بود که روحانی در مسجد برای روستاییها مسئله میگفت، طهارت و غسل و ... میگفتند «ما حمام نداریم»، روحانی میگفت «خوب، انشاءالله بچههای جهاد میسازند؛ ولی فعلاً از رودخانه آب بیاورید در خانه، گرم کنید و غسل کنید». یا «نماز واجب است و اینطور خوانده میشود و ...». بعد از مدتی روحانی لازم میدید که کسی متن احکام را به دیوار بزند و راجع به انقلاب و دوری از کمونیستها و ... شعارنویسی کند. بنابراین واحد فرهنگی با محوریت روحانی یا نماینده امام در جهاد شکل میگرفت. نیروی فرهنگیشان همان روحانی بود. نماینده امام در جهاد در همه شهرستانها و گاهی در دهستانها روحانی داشت. روحانیهایی که به جهاد میآمدند، کمیته فرهنگی را تشکیل میدادند و با تخصیص اعتبارات به این کمیته فعالیتهایشان را توسعه میدادند. نیروهای جهاد همه فرهنگی بودند ولی کمیتهها و واحدهای فرهنگی هم، که از جوانان علاقمند به امور فرهنگی بودند، کار خودشان را میکردند. وقتی نیروهای جهاد که مردم دوستشان داشتند، سر ظهر کار را رها کرده و نماز جماعت برگزار میکردند، روستاییان هرچه باید بفهمند میفهمیدند.

ابعاد فعالیتهای کمیته فرهنگی

اهمیت کمیته فرهنگی از کمیتههای عمرانی و اقتصادی بیشتر بود. همکاری مردم با جهاد، یا چگونگی رفتار نیروهای جهاد، اینکه به معنویاتشان هم میرسند یا خیر، گرایش به خط امام و مسائل سیاسی روز به کمیته فرهنگی مربوط میشد.

کمیته فرهنگی دو عرصه مهم فعالیت داشت؛ عرصه بیرونی و عرصه درونی. از یک طرف باید برای مردم تبلیغ دین میکرد و از طرف دیگر باید مراقبت میکرد که آدمهای ناباب به اسم جهادی در جهاد نفوذ نکنند. چون عدهای منافق وقتی میدیدند جهاد راه نفوذ دارد، برای پیگیری اهداف سیاسی خودشان با بچههای جهاد صحبت میکردند که «درست نیست یک روحانی در رأس نظام باشد، این دیکتاتوری است» و از این قبیل حرفها. اوایل راه برای ورود افراد منحرف باز بود. کمیته فرهنگی که فعالیتش را شروع کرد، نیروهایی را که قرار بود وارد کادر شوند و مسئولیت بگیرند، گزینش میکرد. بنابراین با ایجاد این کمیته، ترکیب بسیار خوبی برای توسعه فعالیتهای جهاد به وجود آمد.

کمیته فرهنگی دخالتی در کار کمیته های فنی و مهندسی و ... نمی کرد ولی از فعالیت هایشان مطلع بود. چون بالاسر کار حضور داشت. یکی از کارهای کمیته این بود که بزرگان روستا را

بشناسد و به آنها در مورد انقلاب و ولایت فقیه توضیحاتی بدهد، همچنین در مورد فعالیتهای نیروهای جهاد آنها را توجیه کند؛ «بالآخره این نیروها برای شما کار میکنند و میخواهند پل و راه و مدرسه بسازند؛ نیازهایی هم دارند که باید شما آن را برطرف کنید». جلب این پشتیبانها وظیفه کمیته فرهنگی بود. به علاوه حضور کمیته فرهنگی در روستا این تصور را منعکس میکرد که جهادیهها مذهبی هستند و بیدین و منافق نیستند؛ چون میدیدند روحانی همراهشان است. در واقع وظایف بیرونی کمیته شامل سه قسمت بود: آموزش احکام به مردم، خط ارتباطی مردم با جهاد و بیان مسائل انقلاب. وظیفه دیگر هم در خصوص نیروهای جهاد؛ که کنترل کند اخلاقشان اسلامی باشد، نسبت به احکام اسلامی آموزش ببینند، دعایی بخوانند و کمکم تزکیه بشوند و از نظر اعتقادی رشد کنند. چون انسان باید در اعتقادات رشد کند و سلوک داشته باشد.

حذف کمیته فرهنگی از جهاد

فعالیت کمیته فرهنگی بسیار جدی و مفید بود؛ و در روستاها احکام دین، حتی وضو و غسل را، جهادیهها به مردم یاد میدادند و روستاییها هم بچههای جهاد را قبول داشتند. به حدی که به جز جهادیهایی که احکام دین را کامل بلد بودند نیاز نبود روحانی دیگری برای تبلیغ به روستاها برود. اما عبدالله نوری که خودش نماینده امام (ره) در جهاد بود میگفت «این روحانیها به اسم نماینده امام به بچهها چیزهایی میگویند انجام دهند که نه از امام پرسیدهاند و نه خودشان در آن تخصص دارند. اصلاً روحانی در جهاد چه میکند؟! جهاد میخواهد کار توسعه بکند و مهندس و راننده لودر و ... میخواهد. اگر روحانی هم لازم شد امام جمعه و روحانیهای مساجد هستند». ولی نیروهای جهادی که میدیدند اغلب روستاها

روحانی



بگویم که در مجلس و در شورای مرکزی جهاد چه میگذرد. خوب، به هر صورت تصویب شد و کمیته فرهنگی حذف شد؛ و چند سال بعد هم شورای مرکزی حذف شد و وزیر مسئول جهاد شد و نماینده امام هم دیگر قدرت اعمال نظر و رأی نداشت. همین که روحانی را از این حرکت جهادی کنار گذاشتیم، همه چیز خراب شد. در اساسنامه سال ۶۲ جهاد که تصویب شد دین را کنار گذاشتیم، امام حسین (ع) را کنار گذاشتیم. خوب، کمیته فرهنگی که جمع شد، نماینده امام را از جهاد بیرون گذاشتند و گفتند وزیر همهکاره است، نماینده امام هیچ کاره شد؛ فقط نماز جماعت برگزار کند و حق دخالت در کار نداشته باشد، حق وتوی او از بین رفت. بنابراین، این اتفاق رخ میداد که نیروی فاقد صلاحیت اخلاقی را با این استدلال که متخصص است به عنوان مسئول یک قسمت قرار میدادند؛ او هم تار و مار میکرد. جهاد که وزارتخانه شد، آقای نوری استعفا داد و امام در جوابش فرمودند: «نماینده من در جهاد میماند و به کارهایش ادامه میدهد» ایشان ماند ولی دیگر به کارش ادامه نداد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. آقای عبدالله نوری در سالهای ابتدایی انقلاب از موافقان کمیته فرهنگی در جهاد بودند؛ ولی بعدتر که دستگاههای متولی امر فرهنگ در جامعه مدعی شدند فعالیت فرهنگی در کشور بر عهده آنها است و وظیفه جهاد سازندگی نیست، از این عقیده خود برگشتند. با انحلال کمیته فرهنگی، وظائف آن به سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سپرده شد. سازمانهایی که هیچ وقت نتوانستند آن چنان که باید و شاید خلأ حضور کمیته مذکور را در روستاها پر کنند. (محمدعلی دلگرم، فرمانده پشتیبانی و مهندسی جهاد همدان در مصاحبه با محقق)

۲. در یکی از مطالب نشریه جهاد در سال سوم شماره ۶۰ دی ماه ۱۳۶۲ با عنوان «مروری بر اساسنامه و حرکت آینده جهاد؛ پاسخ به سؤالات جهادگران، قسمت دوم» همزمان با تصویب اساسنامه وزارت جهاد سازندگی، در مصاحبه با نماینده امام در جهاد و شورای مرکزی آمده است: «من این را خدمت برادران بگویم و پنهان هم نمیکنم که از حذف کمیته فرهنگی یا موارد مشابه آن ممکن است یک قدری دلگیر و ناراحت شده باشیم. این را پنهان نمیکنیم ولی با توجه به تکلیفی که مراجع قانونی مملکت برای ما دارند و ما افتخارمان به تبعیت از این نظام ولایتی است، بنابراین قوانین را تمکین کرده و می‌پذیریم و مطمئن هستیم که برادرها بلافاصله نهادهی را که باید کارها را انجام بدهد به وجود خواهند آورد.»

ندارند یا روحانی که اهل جهاد هم باشد ندارند، با این نظر مخالف بودند.

بچههایی که در عمق جهاد بودند میدانستند که بدون کمیته فرهنگی اصلاً ارتباط جهاد با مردم معنی نداشت. اگر قرار است همراه کارشان دین را ترویج نکنند، اصلاً چرا جهادی باشند؟! یک مهندس خوب باشند کافی است. ما میخواستیم اسلام در روستاها پیش برود و میگفتیم اگر روحانی قرار است نباشد اصلاً جهاد نباشد.

از همان اول بین ما و وزارت کشاورزی دعوا بود؛ من در مراحل آخر تنظیم اساسنامه با اینها جلسهای داشتم تا راجع به اختلافات صحبت کنیم. آن موقع آقای سلامتی وزیر کشاورزی بود؛ و یکیدو تا از معاونینش از دوستان آقای نوری در روحانیت مبارز اصفهان بودند. من به اینها گفتم «شما چرا با حضور روحانیت در جهاد مخالفت میکنید؟» اینها از این سؤال من ناراحت شده بودند و به آقای نوری گفتند و آقای نوری هم به آقای زنگنه شکایت کرده بودند. آقای زنگنه هم سر من داد کشید که «این چه حرفی بوده زدهای؟! مگر شما عقیدتی هستی؟! آنها هم مسلمانند!»؛ و دیگر کمتر با من مشورت می‌کردند.

حتی آقای منتظری هم که مدتی قائم مقام رهبری بودند میگفتند «شما کاری به مسائل دینی نداشته باشید و کمیته فرهنگی هم نیاز ندارید؛ آن کارها را به روحانیت بسپارید». به همین ترتیب بود که در مجلس شورای اسلامی کمیته فرهنگی از جهاد حذف شد. همه بچههای جهاد موقع تصویب اساسنامه و حذف کمیته فرهنگی پای رادیو گریه میکردند. چون وسایل ارتباطی خوبی نداشتیم به موقع نمیتوانستیم به جهادیهای استانها





عبدالله فاتحی

جهد سازندگی؛ تاریخچه تشکیل و خلاصه عملکرد

قسمت ششم

مطالب مندرج در این بخش برگرفته از کتاب «جهد سازندگی، جلد اول: تاریخچه تشکیل و خلاصه عملکرد» می باشد که با انتخاب مدیریت نشریه در اختیار مخاطبان عزیز و مشتاقان پژوهش در حوزه جهد سازندگی و پشتیبانی ومهندسی جنگ جهد قرار می گیرد. این کتاب حاصل تحقیق و پژوهش گروهی از کارشناسان و محققان و تدوین کارشناس و پیشکسوت جهد، آقای مهندس عبدالله فاتحی است که بر اساس پیشنهاد مخاطبان عزیز در خصوص لزوم تبیین فعالیت های جهد سازندگی در انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، در این نشریه ارائه می گردد. این کتاب، زمینه ها و ضرورت های تشکیل نهاد مردمی جهد سازندگی را از زمان پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار داده و وقایع و رخداد های مرتبط با جهد سازندگی و سپس فعالیت ها و تلاش های جهادگران در مقاطع مختلف را به رشته تحریر درآورده است.

سیر تحول جهاد سازندگی و ماهیت فعالیت‌های

آن

تشکیل جهاد سازندگی را به‌طور کلی می‌توان به سه دوره مجزا با توجه به وضعیت و رشد نهادهای انقلاب و سیر تکوین جهاد و کارکردهای آن به شرح زیر از هم متمایز ساخت:

۱. دوره تحکیم قدرت و گرایش به حفظ وضع

موجود

به‌طور کلی، این دوره بلافاصله با پیروزی انقلاب با تأسیس دولت موقت شروع می‌گردد که درواقع نخستین گام برای تحقق نظام جمهوری اسلامی تلقی می‌شود و تا استعفای دولت موقت را در برمی‌گیرد. این دوره با ائتلاف گروه‌های متفاوت یعنی اکثریت روشنفکران آزادی‌خواه، چپ میانه‌رو، کارفرمایان متوسط، تجار، کارکنان بخش دولتی و خصوصی مشخص می‌شود. دولت موقت اساساً متشکل از تکنوبوروکرات‌ها با رویکرد دمکرات لیبرال بود. آنها در پی احیای نهادهای موجود از جمله بوروکراسی و حفظ کارکردهای متداول اقتصاد بودند، از راهبرد اصلاحات تدریجی برای ساختار اجتماعی موجود حمایت می‌کردند و با هرگونه تغییرات اجتماعی رادیکال مخالفت می‌نمودند. به دلیل بی‌اعتمادی به سازمان‌های سنتی و در راستای تحکیم نظام، این دوره شاهد تشکیل برخی نهادهای مردمی از پایین بود، با این حال تغییر عمده‌ای در ساختار و فرآیند بوروکراسی و سازمان‌های اداری رخ نداد. هرچند جهاد بر اساس فرمان امام خمینی ۱ در ماه‌های اولیه بعد از انقلاب تشکیل شد، ولی بر اساس اساسنامه (ماد ۸ و به بعد) آن سازمانی بین‌وزارتخانه‌ای

محسوب می‌شد. علی‌رغم فشار نیروهای مردم‌گرا برای افزایش قدرت جهاد، دولت موقت به فراتر از یک سازمان فرعی (بین وزارتخانه‌ای) نمی‌اندیشید و معتقد بود که در غیر این صورت باعث مداخله آن در امور دیگر سازمان‌ها و در نتیجه اسباب اختلال در نظم امور کشور را فراهم خواهد کرد که اکنون بیش از همه به آن نیاز است (فردوس ۱۹۸۳: ۱۱). این دوره کوتاه، نوعی همزیستی و توازن قدرت با کشمکش‌های رو به رشد را بین تکنوبوروکرات‌های لیبرال و مردم‌گراها شاهد بود.

به طوری که یکی از جهادگران می‌گوید: درحالی که دولت موقت شدیداً مخالف تشکیل جهاد بود و معتقد بودند که این نیروها باید در ادارات سنتی کار کنند و در آنجا تحول ایجاد نمایند. شهید بهشتی معتقد بود در صورت ادغام، نیروهای انقلابی در سازمان‌های سنتی حل خواهند شد و با عنایت به این موضوع شهید بزرگوار در جلسه‌ای که بنده به‌عنوان عضو شورای وقت جهاد سازندگی حضور داشتم خطاب به روحانیون اظهار نمودند شما با بچه‌های جهاد به روستا بروید. زیرا ممکن است آنها نتوانند خوب حرف بزنند بنابراین با آنها بروید تا مردم آنها را بپذیرند (نقل در جهاد کشاورزی استان همدان ۱۳۸۲: ۱۹۴).

این توازن و کشمکش در اساسنامه جهاد که در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی چاپ شد، منعکس گردید که برخلاف آنچه بعداً رخ داد، بر اساس این اساسنامه، جهاد به‌عنوان سازمانی تلقی می‌شد که وظیفه اصلی‌اش فعالیت توسعه روستایی بود و فعالیت‌های دیگر مانند خدمات فرهنگی، اشتغال‌زایی فعالیت‌های جنبی بودند. حتی در این اساسنامه درباره زیرساخت‌های شبیه به زیرساخت‌های مراکز خدمات روستایی و عشایر سخنی مطرح نشده بود.

در این دوره کوتاه بخش اعظمی از فعالیت‌ها به شکل یاری‌های مختلف در روستاها در کاشت، برداشت محصول و غیره توسط داوطلبان جهادگر انجام شد که با یک‌شور انقلابی صورت گرفت و در برخی مناطق به شکل فرهنگی و مبارزه با فعالیت‌های گروه‌های مخالف انقلاب صورت گرفت که از فرصت ناشی از فروپاشی رژیم و از خلأ حضور دولت استفاده کرده بودند.

۲. دوره دیوانسالاری‌زدایی

این دوره از زمان استعفای دولت موقت تا پایان جنگ تحمیلی را در برمی‌گیرد. شاید وخامت شرایط اقتصادی و شرایط کشور اجازه عملی شدن شیوه اصلاحات آرام و تدریجی را نداد و به استعفای دولت موقت منجر شد. کشمکش بین مردم‌گرایان و تکنوبوروکرات‌های لیبرال به‌مرور تشدید شد و در طول ریاست جمهوری بنی‌صدر خودش را در مقولاتی چون معیار مناسب برای انتخاب اعضای





مخالفان

ادغام (ادغام وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی) نظرات خود را از طریق نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطرح می‌کردند، مقاومت سرسختانه تعداد قابل توجهی از نمایندگان که مدافع دستگاه‌های سنتی و لزوم عدم دخالت جهاد سازندگی در امور آن دستگاه‌ها بودند، در عمل زمانی بروز کرد که نخست‌وزیر وقت (میرحسین موسوی) با نظر موافق آیت‌الله خامنه‌ای ریاست جمهوری وقت، مهندس زنگنه از اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی را به عنوان اولین وزیر جهاد سازندگی به مجلس معرفی کرد، بیش‌ن نامدار زنگنه از دانشگاهیان انقلابی و بنیان‌گذاران جهاد سازندگی بود که در دولت شهید رجایی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان معاون فرهنگی اقدامات فرهنگی چشمگیری انجام داده بود.

با حکم نخست‌وزیر از آبان ماه ۱۳۶۱ به جهاد سازندگی منتقل و به عنوان یکی از اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی برگزیده شد، وی به هنگام معرفی‌اش برای احراز سمت اولین وزیر نهاد انقلابی جهاد سازندگی پیش‌بینی مخالفان در این زمان حساس را نکرده بود، زنگنه شاید هیچ‌وقت گمان نمی‌کرد که نظرات انقلابی‌اش و دفاع از عملکرد جهادی‌ها در حساس‌ترین زمان (انتخاب وزیر جهاد سازندگی) علیه او به کارگرفته شود، فهمیم کرمانی از جمله مخالفان این گروه از نمایندگان مجلس بود که طی اظهاراتی به مخالفت با زنگنه پرداخت و گفت «کسی که می‌خواهد متصدی پست وزارت بشود، باید در مرحله اولیه به ارگان‌های دولتی معتقد باشد؛ یعنی به این تشکیلات و ارگان‌ها و نهادها باید اعتقاد داشته باشد تا بتواند با آنها تفاهم بکند و کار

جدید دولت نشان داد.

با برکناری بنی‌صدر، انقلابیون بر دستگاه اجرایی مسلط شدند. با پیروزی انقلابیون به همراه تحولات دیگر مانند وقوع جنگ تحمیلی، زمینه برای اجرای تغییرات اجتماعی فراهم شد و فرصت لازم برای تقویت و گسترش سازمان‌های انقلابی به‌ویژه جهاد سازندگی ایجاد گردید. بدین ترتیب، موقعیت‌سازمانی جهاد تحکیم و حیطه فعالیت‌های آن گسترش یافت. حدوداً از سال ۱۳۶۲ به بعد به دلیل گسترش فعالیت‌ها و مسئولیت‌های جدید گرایش‌های دیوان‌سالارانه بروز یافت که به قول میشلز «از ضرورت‌های فنی و عملی» سرچشمه می‌گرفت و «محصول اجتناب‌ناپذیر و فی‌نفسه اصل سازمان است»

(۱۳۶۸؛ ۱۰۲). بدون تردید نقش جنگ در این میان مهم بوده است. نقش جهاد در فعالیت‌های مهندسی مانند ساختن راه‌ها، پل‌ها، کانال‌ها و خطوط دفاعی، تعمیر تجهیزات تسلیحات، برق‌رسانی، آب‌رسانی و غیره بارز بود و به‌طور گسترده‌ای جهاد در این امور درگیر شد. جهاد هم‌چنین نقش خیلی عمده‌ای را در بسیج و اعزام داوطلبان به جبهه‌ها، تولید تجهیزات برای جنگ، توزیع مواد تبلیغی و ارائه خدمات پزشکی و غیره ایفا کرد. گسترش دامنه فعالیت‌های جهاد حداقل دو پیامد را در پی داشت: نخست، نظام شورایی به نظام وزارتی تغییر یافت. در سال ۱۳۶۲ اساسنامه جدیدی برای جهاد سازندگی مطرح شد که بر آن اساس جهاد به‌عنوان یک وزارتخانه مورد تصویب قرار گرفت. به‌منظور رفع نگرانی‌های مربوط به تعدی جهاد به قلمرو دیگر وزارتخانه‌ها، مقرر شد به‌استثنای جنگ به دلیل اهمیت آن، از محدوده سازندگی روستایی فراتر نرود. دوم، سبب موازی‌کاری مسئولیت‌ها و وظایف جهاد با دیگر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها نگردد. این وضعیت به طرح ایده ادغام دو وزارتخانه و کشمکش بر سر این موضوع منجر شد؛ ابتدا گروهی پیشنهاد کردند که وزارت کشاورزی منحل و در جهاد سازندگی ادغام شود. در این خصوص گروه‌های مردم‌گرا و آنهایی که از مداخله و گسترش دولت بیشتر حمایت می‌کردند و در دستگاه اجرایی حاکم بودند، با اشاره به ناکامی‌های وزارت کشاورزی در انجام امور محوله استدلال نمودند که جهاد یک نهاد انقلابی است و به مردم روستایی نزدیک‌تر است. در مقابل بخش قابل توجهی از نمایندگان مجلس مخالف این نوع ادغام بودند. استدلالشان این بود که اولاً هیچ طرح عملی در این خصوص وجود ندارد، ثانیاً «ادغام، قدرت زیادی را به جهاد به‌ویژه در مناطق روستایی خواهد داد که ممکن است در اعمال نفوذ بر روستاها مورد سوءاستفاده قرار گیرد» (شیرازی ۱۹۹۳: ۱۵۲). با توجه به اختلافات زیاد در مورد طرح ادغام، این طرح در این مرحله کنار گذاشته شد.

اساس شرح وظایف فعالیت‌های مربوط به توسعه روستایی انجام گرفت. دوم، کارکرد آن در تحکیم نظام جمهوری اسلامی است که در فعالیت‌هایش در جنگ و مبارزه با گروه‌های مخالف در مناطق روستایی نمود پیدا کرد.

۳. دوره دیوانسالاری شدن

این دوره با پایان جنگ تحمیلی در ۱۳۶۸ آغاز می‌شود. این دوره که مصادف با به دست گرفتن قدرت سیاسی توسط گروهی از اصلاح‌گرایان و فن‌سالاران با رویکرد مصلحت‌گرایانه و سیطره آنان بر دستگاه اجرایی است، با تغییرات فراوانی در قانون اساسی، ساختار دولت و موازنه قدرت بین جناح‌های مختلف قدرت مشخص می‌شود. از مشخصات مهم این دوره می‌توان به موضع عمل‌گرایانه و ملی‌گرایانه و اصلاح‌گرایانه دولت در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در اقتصاد، سیاست و نظام اداری اشاره نمود. این دوره با گرایش‌های فزاینده برای عقلایی کردن امور به‌ویژه سازماندهی نظام اداری کشور شروع می‌شود. درواقع این دوره تلاشی برای تکمیل روندی بوده که از دوره قبل شروع شده بود. این گرایش‌ها خواه‌ناخواه در دولت بعدی نیز با جست‌وخیزهایی ادامه پیدا کرد.

با ظهور رویکرد عمل‌گرایانه و میانه‌روانه، مجدداً طرح ادغام دو وزارتخانه البته به شکل جدید آن یعنی ادغام وزارت جهاد در وزارت کشاورزی مطرح گردید، با این حال هیچ گام عملی در این خصوص برداشته نشد. در عوض تلاش‌هایی برای تفکیک وظایف بین سه وزارتخانه صورت گرفت.

مسئولیت تمام منابع طبیعی مانند جنگل‌ها، مراتع، شیلات، امور دام، توسعه روستایی و صنایع روستایی به وزارت جهادسازندگی؛ امور مربوط به زراعت، زمین و بهره‌برداری از منابع طبیعی به وزارت کشاورزی؛ و برق‌رسانی و ساختن سدهای بزرگ به وزارت نیرو واگذار شد (جهاد سازندگی ۱۹۹۲: ۸۲-۳). از آنجا که نظام در این دوره بسیاری از تهدیدات خارجی و داخلی را پشت سر گذاشته و تثبیت شده بود، نهادینه شدن قدرت و خط مشی‌ها عقلایی کردن امور (با دید دست‌انداران آن دوره) از مهم‌ترین دغدغه کشور محسوب می‌شد. در این میان، آنچه برای جهاد سازندگی مهم بود، مسئله حفظ و تحکیم موقعیت سازمانی خود بود.



انجام

بدهد و بنده این

شرط و این صفت را که یکی از صفات اولیه و شرایط اولیه هست را در ایشان نمی‌بینم به دلیل اینکه در مقاله‌ای که ایشان در رابطه با اساسنامه جهاد سازندگی نوشته‌اند و چاپ شده، در صفحه ۷۲ این مجله (احتمالاً مجله جهاد) این مسئله را عنوان کرده‌اند که «اگر بتوانیم خصوصیات جهاد را به‌طور جزئی باز کنیم، می‌توان گفت که وزیر جهاد بعد از اعتقاد قلبی و التزام عملی به ولایت فقیه مهم‌ترین خصیصه‌اش باید شناخت و اعتقاد به اهداف و آرمان‌های جهاد به عنوان یک نهاد جوشیده از انقلاب و مردم که مناسب با نیازهای جمهوری اسلامی ایران است و «اصل مطلب اینجاست» و عدم اعتقاد به دستگاه‌های اجرایی که قادر به حل مسائل و معضلات کشور نیستند، داشته و خود جهادی و یا در جهاد بوده باشد...»

اما مهندس زنگنه منظورش از عدم اعتقاد به دستگاه‌های اجرایی را دستگاه‌های اجرایی سنتی در مجلس عنوان کرده و سپس با رأی اعتماد مجلس در اول اسفند ماه ۱۳۶۲ به عنوان اولین وزیر جهاد سازندگی مشغول به کار شد.

البته حمایت محکم و قاطع طرف مقابل از نمایندگان مجلس در این رأی اعتماد نقش اساسی داشت و در پاسخ به اظهارات مخالفان آقایان کروی و موسوی خوئینی‌ها با ذکر مراتب ایمان و تقوای زنگنه ایشان را فردی انقلابی و متدین و مناسب برای تصدی وزارت جهاد سازندگی معرفی کردند، این دوره که معرف گرایش غالب جهاد به تحکیم موقعیت سازمانی است، با دو کارکرد عمده مشخص می‌شود: نخست، کارکرد توسعه‌ای که بر





جهادگران و روزی که حصر شکست

اگرچه بر اساس اسناد و سوابق واگذاری مسئولیت مهندسی رزمی جنگ به جهادگران جهاد سازندگی که بعدها سنگسازان بی سنگر لقب گرفتند، از عملیات فتح المبین در ۲ فروردین ماه ۱۳۶۱ انجام شده است، ولی این نیروهای همیشه جان بر کف از بدو آغاز دفاع مقدس و حمله سراسری عراق به مرزهای غربی کشور در جلوگیری از پیشروی نیروهای بعثی نقشی موثر داشته اند. در دفاع ۳۴ روزه خرمشهر جهادگران بسیاری حضور داشتند که در کنار سایر نیروها به دفاع از این شهر پرداختند که امیدوارم روزی به آن پرداخته شود. ولی آنچه مسلم است نقش نیروهای جهاد سازندگی در عملیات ثامن الائمه نقشی قابل استناد بوده است.

آنچه در ذیل آمده است بر اساس اسنادی است که از مصاحبه های جهادگران در همان روزهای دفاع مقدس بدست آمده است و در آرشیو اسناد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد موجود است. اسامی این عزیزان به صورت فهرست وار در انتهای مطلب منعکس شده است.



راهاندازی دستگاه‌های محدود موجود در منطقه نمودند و با همین دستگاه‌های محدود شروع به احداث خاکریزها و جاده‌های متعدد کردند. از قبیل:

* خاکریزی در سر کوچه‌های منتهی به تقاطع سه راهی کارون با اروند:

از جبهه‌های حساس اوایل جنگ تقاطع سه راهی کارون با اروند در جبهه خرمشهر بود که به جبهه پایین پل و بالای پل معروف بود که با توجه به حضور دشمن در ساختمان‌های خرمشهر و عدم وجود سنگر برای نیروهای خودی برادران رزمنده در زیر آتش دشمن بودند که با وجود دشواری کار مهندسی در آن شرایط ویژه، برادران جهاد سازندگی با ریختن خاک در سرکوچه‌های منتهی به این سه راهی اقدام به احداث سنگرهای انفرادی و تدافعی برای نیروهای رزمنده نمودند.

از کارهای دیگری که به جهت نفوذ احتمالی دشمن به آبادان و همچنین کشاندن جنگ به خارج از آبادان صورت گرفت عبارت بودند از:

- بریدن جاده آسفالتی تا سه راه ایستگاه هفت

- ایجاد موانع بتنی در ایستگاه هفت

- احداث خاکریزهای متعدد در حوالی آبادان

- احداث خاکریزهای نزدیک به دشمن در ایستگاه، مابین

ایستگاه و فیاضیه و پایین ایستگاه هفت

- احداث خاکریزهای پیشروی کننده:

از کارهای مهم و اساسی دیگر جهاد سازندگی احداث یک خاکریز طولانی به موازات بهمنشیر در طول جبهه آبادان بود.

بعد از این که عراقی‌ها از بهمنشیر عبور کردند و سرکوب شدند از داخل نخلستان‌ها نیز به پشت جاده شنی ذوالفقاریه

رفتند و جهاد سازندگی در این طرف جاده

شنی نیز اقدام به احداث خاکریزهای

متعدد نمود که بعد از اتمام این

خاکریزها بدون هیچ گونه

درگیری با دشمن، دشمن

عقب نشینی کرد و جاده

شنی به دست نیروهای

خودی افتاد که بعد از این

کار تا شروع عملیات مدن

به صورت ۵۰۰ متر ۵۰۰

متر به سمت دشمن انجام

پذیرفت و برادران رزمنده در

پناه این خاکریزهای پیشرونده

به صورت مرحله به مرحله پیشروی



می‌کردند.

در جبهه آبادان؛ مهندسی از محاصره تا آزادی:

پس از سقوط خرمشهر تعدادی از جهادگران جهاد سازندگی از جمله جهادگران استان فارس و اصفهان وارد شهر آبادان شدند که به محض ورود این عزیزان، محاصره آبادان کامل شد، به طوری که کلیه راه‌های ارتباطی شهر به جز از طریق خورها و هلی‌کوپترها مسدود گردید.

ولی با این وجود جهادگران جهاد سازندگی مستقر در آبادان با ارائه انواع و اقسام سرویس‌های خدماتی به نیروهای نظامی و تلاش شبانه روزی سعی کردند که آبادان با وجود محاصره دارای سیستم فعال و زنده باشد. مثلاً آبادان محاصره بود؛ ولی آتش نشانی کار می‌کرد. آبادان محاصره بود؛ بیمارستان آن کار می‌کرد و ...

جهادگران جهاد سازندگی پس از استقرار در شهر آبادان به دلیل قطع شدن راه‌های ارتباطی شهر تصمیم گرفتند که به هر نحوی که شده مهمات و آذوقه شهر را تأمین نموده و نیز طوری عمل کنند که آبادان به سرنوشت خرمشهر دچار نشود، بر همین مبنا دو تصمیم عمده اتخاذ گردید:

۱- هدایت جنگ به خارج از شهر آبادان

۲- احداث راه‌های تدارکاتی و ارتباطی آبادان با سایر نیروهای خودی.

بر مبنای تصمیم‌گیری فوق جهادگران مستقر در جبهه آبادان با همکاری برادران جهاد سازندگی آبادان که از قبل هم یک سری فعالیت‌های مهندسی به منظور جلوگیری احتمالی از هجوم دشمن به شهر از قبیل سنگرسازی در اغلب بلوارهای شهر، خاکریز زنی به صورت زیگزاگ در ورودی شهر و... انجام داده بودند، اقدام به انجام فعالیت‌های متعدد مهندسی

نمودند که در نهایت زمینه عملیات ثامن

الاثمه (ع) را فراهم و محاصره

آبادان را شکستند.

برخی از این فعالیت‌ها

عبارتند از:

اولین چیزی که

برای انجام فعالیت‌های

مهندسی در آبادان

مورد نیاز بود وجود

ابزارآلات مهندسی بود

که در آن مقطع حساس

به آن دسترسی نداشتند. به

همین منظور جهادگران جهاد

سازندگی ضمن دست زدن به یک

تلاش شبانه روزی اقدام به تعمیر و



* احداث خاکریز و تپه‌های خاکی در منطقه قبرستان آبادان: برادران جهاد سازندگی به منظور ایجاد رعب و وحشت در دل دشمن اقدام به احداث خاکریز و تپه‌های خاکی در منطقه قبرستان آبادان نموده و به دلیل نبودن مهمات با قرار دادن پوک‌های ۱۰۶ و لوله‌های سیاه در پشت این تپه‌ها به جنگ روانی بر علیه دشمن پرداختند چرا که دشمن فکر می‌کرد در پشت این تپه مهمات قرار دارد.

- مرمت جاده ارتباطی ایستگاه ۱۲ به فیاضیه: به منظور تسهیل رفت و آمد در این جاده ایثارگران جهاد سازندگی با تلاش شبانه روزی اقدام به زیرسازی و تعویض این جاده که به طول ۱۲ کیلومتر بود نمودند ولی پس از شروع رفت و آمد، دشمن متوجه شده و جاده را زیر آتش شدید خود گرفت که برادران جهاد سازندگی مجبور شدند اقدام به احداث جاده‌های دیگر در نخلستان‌های فیاضیه نمایند.

- احداث جاده در نخلستان‌ها:

جهاد سازندگی این جاده را با زحمات فراوانی احداث و به رودخانه بهمنشیر منتهی کردند و برای ارتباط آن با آن طرف آب اقدام به احداث پل نمودند و ارتباط را برقرار کردند.

این جاده که در منطقه فیاضیه و به موازات خط دشمن و در فاصله ۳۰۰ متری آن‌ها احداث شده بود دارای ۱۰ کیلومتر طول بوده و بیش از ۲ ماه زمان برد.

- احداث تونل در منطقه فیاضیه:

برادران سپاه در منطقه فیاضیه اقدام به احداث تونلی به طول حدود پانصد متر از سه راهی بهمنشیر به طرف کارخانه پاستوریزه (به طرف دشمن) نمودند که در انجام این امر به جهت سرعت بخشیدن به کار جهاد سازندگی با قرار دادن دستگاه‌های مهندسی خود در اختیار برادران سپاه و انجام یک سری فعالیت در جهت مکانیزه کردن آن نقش مؤثری در احداث تونل داشتند.

- ایجاد پاسگاه در کنار کارون:

جهاد سازندگی در کنار کارون اقدام به احداث ۱۲ پاسگاه نمود که هر کدام از این پاسگاه توسط یک جاده دسترسی به عقبه اتصال می‌یافتند.

- سنگرسازی در آبادان

در ابتدای شروع جنگ برادران جهاد سازندگی به جهت حفظ جان رزمندگان اقدام به احداث سنگرهای سرپوشیده می‌کردند. یعنی با چیدن گونی و سنگ و پوشاندن روی آن سنگر درست می‌کردند ولی به مرور زمان برادران جهاد سازندگی در آبادان اقدام به ساخت سنگرهای بتونی نمودند و این کار را با استفاده از امکانات شرکت نفت انجام دادند و سنگرهای نیم دایره‌ای که دو تا از آن‌ها یک استوانه کامل می‌شد با درپوش درست کردند که مورد

استقبال

شدید رزمندگان واقع شد و جهاد سازندگی ضمن تولید انبوه این سنگرها آن‌ها را در سرتاسر جبهه مورد استفاده قرار داد.

* حماسه کوی ذوالفقاریه و تجهیز جهاد سازندگی:

با توجه به این که پیش بینی می‌شد دشمن از طریق ایستگاه هفت قصد عبور از بهمنشیر و ورود به شهر را داشته باشد لذا در آنجا نیروهای مردمی، سپاه و جهاد و برادران نیروی دریائی یک سری موانع جهت جلوگیری از نفوذ دشمن ایجاد کرده بودند، اما بعداً دشمن به واسطه کسب خبر از طریق جاسوس‌هایش حرکتی مغایر با آن چیزی که پیش بینی می‌شد انجام داد و به این ترتیب شبانه به طرف ذوالفقاریه در حومه جنوبی آبادان حرکت کرده و با تجهیزاتی که در اختیار داشت در آنجا پلی از نوع «پی ام پی» احداث کرده و یک سری تجهیزات مدرن مثل بیل مکانیکی باتلاق رو، فرش باتلاقی، لودرهای کاوازاکی بسیار نو و چند تانک و نفربر اقدام به عبور از آن منطقه نموده بود و در این حرکت دشمن توانسته بود حدود ۷۰۰ نفر از نیروها و سه دستگاه از لودر و بولدوزر خود را از بهمنشیر عبور دهد.

که به دنبال اطلاع مردم از این حرکت دشمن بلافاصله با سلاح‌های محدود خود اقدام به دفاع در مقابل یورش دشمن نموده و سپس نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران با بمباران پل احداثی دشمن ارتباط نیروهایی را که از ذوالفقاریه عبور کرده بودند در سمت شرقی رودخانه با نیروهای آن طرف قطع کرده و باعث نشدند که نیروی این سمت رودخانه اکثراً گشته و یا اسیر بشوند.

نکته قابل توجه در این عملیات این بود که جهاد سازندگی

قصد کنترل شناورها را دارد؛ برای همین این جاده به دلیل زیر آتش بودن منطقه چوئیده مقداری جلوتر از چوئیده به طول ۱۸ کیلومتر به سمت قفّاص احداث گردید.

این جاده نیز در شرایط جوی و جغرافیایی بسیار نامساعد احداث گردید زیرا به دلیل عدم وجود مخلوط مورد نیاز جهادگران جهاد سازندگی با مشکلات زیاد، شن و ماسه‌های موجود در پالایشگاه آبادان را در زیر تیر مستقیم دشمن می‌آوردند و با خاک مخلوط می‌کردند و به این صورت مخلوط مورد نیاز جاده را تأمین می‌کردند. در ضمن کار احداث این جاده در مدت زمان ۲ هفته به اتمام رسید.

– احداث جاده بین روستای مدن و ابوشانک:

با توجه به این که تعدادی از رزمندگان اسلام پس از شکست دشمن در عملیات کوی ذوالفقاریه از بهمنشیر عبور کرده و در شرق بهمنشیر مستقر شده بودند این عزیزان به دلیل عدم وجود جاده مناسب ارتباطی با رودخانه بهمنشیر در شرایط بسیار سختی به سر می‌بردند. به طوری که برادران رزمنده برای انتقال مجروحین خود مجبور بودند آن‌ها را تا کنار بهمنشیر روی گل‌ها بکشند و سپس توسط قایق به این طرف آب هدایت کنند.

با توجه به این امر برادران جهاد سازندگی اقدام به احداث ۱/۵ کیلومتر جاده در منطقه ذوالفقاریه بین روستای مدن و روستای ابوشانک نمودند که این جاده به دلیل عدم وجود مخلوط مورد نیاز در شرایط بسیار سختی احداث گردید. زیرا برادران جهادگر مجبور بودند برای احداث این جاده، خاک و آجر را از کوه‌های آجریزی موجود در منطقه ذوالفقاری بار کرده و در ایستگاه هفت دیو کنند و سپس از ایستگاه هفت بوسیله کمپرسی شبانه آن را به شرق بهمنشیر حمل

اولین دستگاه‌های خوب و سازمانی خودش را در این عملیات به غنیمت گرفت و همچنین برادران جهاد سازندگی پل عراق را از آب بیرون کشیده و پس از تعمیر آن، مورد بهره‌برداری قرار دادند و نیز ضمن تعمیر چهار دستگاه آبی، خاکی دشمن حدود ۱۴ دستگاه مهندسی به غنیمت گرفته و به استفاده از آن‌ها گروه‌های مهندسی تقویت شده‌ای را به راه انداختند.

بعد از حماسه کوی ذوالفقاریه محاصره دشمن در ارتباط با جزیره آبادان تقریباً کامل شد و تنها راهی که به آبادان وجود داشت قسمت جنوبی آبادان بود که در آنجا نیز موانع متعددی از قبیل باتلاق‌های عظیم قرار داشت که امکان عبور از آنجا را بسیار محدود می‌کرد. پس تنها راه ارتباطی راه دریائی بود. یعنی این که لنج‌ها و شناورها از ماهشهر حرکت کرده و به خور موسی می‌آمدند و از آنجا وارد خورسلج و بعد وارد خورکوارین و نهایتاً وارد رودخانه بهمنشیر می‌شدند. ولی با توجه به عدم امنیت این مسیر و جهت ارتباط دادن جزیره با سایر نیروهای خارج از جزیره و همچنین ارتباط با ماهشهر نیاز به انجام یک سری اقدامات اصولی بود که از آن جمله جاده سازی را می‌توان محور اصلی این فعالیت‌ها در نظر گرفت:

– احداث جاده از تقاطع خورسلج و خورکوارین به طرف چوئیده :

طبق پیش بینی نیروی دریائی، دشمن مشغول نصب یک رادار وارداتی در حوالی فاو بود که می‌توانست به زودی تنها راه ارتباطی یعنی راه دریائی را مسدود کند یعنی عملاً امکان این که نیروهای خودی از طریق خورموسی، خورسلج و خورکوارین وارد بهمنشیر بشوند وجود نداشت. لذا نیروی دریائی طرح احداث جاده از تقاطع خورسلج و خورکوارین به طرف حوالی چوئیده ارائه داد که به دنبال این طرح برادران جهاد سازندگی اقدام به احداث آن نمودند.

با توجه به باتلاقی بودن مسیر این جاده جهادگران جهاد سازندگی برای تأمین خاک مورد نیاز این جاده، خاک‌های باتلاقی را دیو می‌کردند و به مدت ۱۰ روز در جلوی آفتاب خشک می‌کردند و مورد استفاده قرار می‌دادند و همچنین با توجه به وضعیت خاک منطقه برای احداث این جاده برادران جهاد سازندگی حدود یک متر مسیر جاده را لجن‌زدائی می‌کردند تا به یک خاک بدون لجن برسند سپس آن را پر می‌کردند و بالا می‌آوردند و به این ترتیب سنگسازان بی سنگر جهاد سازندگی توانستند این جاده را احداث نمایند.

– احداث جاده چوئیده به قفّاص:

با توجه به این که تنها راه ارتباطی منطقه آبادان از طریق لنج‌ها بود و گفته می‌شد که دشمن با احداث یک رادار دریائی



کوبیدن شمع‌های مورد نیاز که هر کدام از این شمع‌ها ۳۷ متر به زمین نفوذ کرده بود اسکله در مدت زمان ۵ ماه احداث گردید. این اسکله دارای یک مسیر به عرض حدود ۱۴ متر و به طول حدود ۳۰ متر به سمت داخل آب بود به طوری که با جزر و مدی که در آنجا وجود داشت، تخلیه و بارگیری در هر لحظه امکان‌پذیر بود. وقتی که گزارش احداث این اسکله در اتاق جنگ ارائه شد موجب خوشحالی برادران گردید که پس از شروع به کار این اسکله، اولین ادوات از قبیل تانک، نفربر، توپ و غیره وارد جزیره آبادان شد.

- احداث اسکله مخصوص لندی گرفت:

این اسکله از طریق مہار باتلاق، به منظور سهولت در بارگیری و تخلیه بار لندی گرفت احداث گردید. برای مہار باتلاق از شاسی‌های آهنی به عرض ۴ و طول ۶ متر موجود در پالایشگاه استفاد می‌شد که سپس روی همین شاسی‌های آهنی ورق فرش می‌شد و بعد ضمن ساخت بدنه آن، درون آن مقداری آرماتور چیده و ضمن دادن شیب مناسب بتن ریزی شده و سپس به وسیله آرماتورهایی به بارانداز وصل می‌گردید.

- احداث جاده وحدت:

بعد از احداث اسکله با این که خیلی از مشکلات برادران نظامی برطرف گردید ولی این راه، جهت انتقال تجهیزات مختلف، راه کاملاً مناسب و مطمئنی نبود زیرا به هر ترتیب شناورها می‌بایست از دهانه خورکوارین و دهانه بهمنشیر وارد می‌شدند که این مسئله خالی از اشکال نبود چون در مواردی که جزر و مد می‌شد اگر ناخدای شناورها به موقعیت رودخانه‌ای که دچار اختلالات جزر و مد می‌شد

نمایند. ولی با تمام این مشکلات این جاده در مدت زمان هفت شب احداث گردید ولی پس از احداث آن، مجروحین به راحتی با ماشین به کنار رودخانه بهمنشیر آمده و سپس از آن جا به مراکز درمانی هدایت می‌شدند.

- احداث باندهای هلی کوپتر. جاده ارتباطی به جاده خسروآباد: با توجه به این که راه زمینی منتهی به چوئیده در فصل بارندگی اکثر مواقع باتلاقی می‌شد، لذا برادران جهاد سازندگی به منظور ایجاد ارتباط هوایی با جزیره آبادان اقدام به احداث باندهای هلی کوپتر در منطقه چوئیده نمودند. به دلیل نبودن غلطک و عدم توان آسفالت کار برای احداث این باندها برادران جهاد سازندگی ضمن صاف نمودن محل مورد نظر با جوش دادن ورق‌های آهن که از پالایشگاه آبادان آورده شد این دو مورد باند را احداث نمودند تا از این طریق، با استفاده از جاده خسروآباد تدارکات و تجهیزات سبک مورد نیاز به آبادان حمل شود. ولی مشکلی که در اینجا وجود داشت فاصله چوئیده تا جاده خسروآباد بود که بین ۵ تا ۸ کیلومتر می‌شد که برادران جهاد سازندگی ضمن احداث این جاده ارتباط را با جاده اصلی خسروآباد-آبادان برقرار نمودند.

- احداث جاده چوئیده:

این جاده به طول ۳۰ کیلومتر به منظور ارتباط چوئیده با خسروآباد احداث گردید که ۱۷ کیلومتر آن آسفالت سرد شده و ۱۳ کیلومتر دیگر زیرسازی و مخلوط ریزی گردید که مخلوط این جاده از ۷۰۰ متری دید دشمن، شبانه از داخل پالایشگاه تهیه می‌شد، اهمیت این جاده به حدی بود که کلیه نقل و انتقالات مجروحین و مهمات از طریق آن صورت می‌پذیرفت.

- آسفالت کردن جاده خسروآباد به آبادان:

به دلیل تردد زیاد از این جاده و باتلاقی شدن آن در ایام بارندگی جهاد سازندگی با ته‌ریزی و آسفالت این جاده مشکل ترابری را در این جاده حل نمود زیرا قبل از آسفالت شدن آن به علت لغزنده بودن این جاده و خروج ماشین‌ها از جاده مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌گردید.

- احداث اسکله:

با توجه به این که ارسال تجهیزات نظامی سنگین از قبیل تانک، توپ و ... به جزیره آبادان میسر نبود لذا جهاد سازندگی به منظور انتقال این تجهیزات نیاز به احداث اسکله داشت. بر همین مبنا با مطالعاتی که در منطقه چوئیده صورت پذیرفت این نتیجه حاصل شد که در منطقه چوئیده و در ساحل بهمنشیر یک اسکله سنگین که بتواند بارهای حدود ۲۰۰ تن را تخلیه کند احداث گردد.

برای این منظور یک محوطه ۶ الی ۱۰/۰۰۰ متری در ساحل رودخانه در نظر گرفته شده و کف آن بتونی گردید و پس از



می‌بایست در باتلاق احداث می‌شد ولی در تلاشی که صورت پذیرفت، ضمن کشیدن جاده به سمت غرب و نزدیک به دشمن منطقه باتلاقی حدود ۵۰۰ متر تقلیل داده شد.

اما مسئله‌ای که در احداث این جاده می‌بایست حل می‌شد موضوع کشش سطحی آب بود که برای این کار برادران چهارگر خاک را از دو طرف جاده بالا می‌آوردند و دیو می‌کردند و بعد هم روی آن شن می‌ریختند، منتهی چون خاک منطقه خیلی ریز بود و امکان این که این‌ها را در منطقه باتلاقی بریزند وجود نداشت و با توجه به این که در منطقه آبادان سنگی موجود نبود پس از بررسی جوانب امر، جهادگران جهاد سازندگی متوجه شدند که یک سری کوره‌های آجرپزی قدیمی در منطقه ذوالفقاریه آبادان وجود دارد. که خود آجر، مخلوط مناسبی جهت ریختن در باتلاق می‌باشد. که به این ترتیب در ابتدا حدود ۲۵ الی ۳۰ سانتی متر در داخل باتلاق آجر ریخته می‌شد و سپس روی آن خاک می‌ریختند که در این صورت امکان این که آب به بالا بیاید و جاده را نمناک کند وجود نداشت. با توجه به این که احداث این جاده در زیر دید دشمن صورت می‌پذیرفت جهت تأمین امنیت دستگاه‌های مهندسی برادران جهاد سازندگی با ایجاد خاکریزهای حائل به ارتفاع ۳ متر و کار کردن در پناه این خاکریز، جاده را احداث می‌کردند.

در هر صورت پس از احداث این جاده به منظور ارتباط این جاده در دو سوی بهمنشیر یک پل دوبه‌ای در منطقه خضر احداث گردید و پس از این که جاده تکمیل شد نفت پاشی و قیرپاشی گشت.

علت نامگذاری این جاده به نام «وحدت» همکاری و هماهنگی جهادهای مختلف، سپاه و ارتش بود که در فضای آکنده از همدلی و یکدلی جاده را تکمیل و دو سمت آن را به همدیگر وصل کردند. که پس از این اتصال جهاد سازندگی رسماً اعلام کرد که حصر آبادان را شکسته است.

بعد از احداث این جاده بلافاصله اطراف جاده مملو از نیروهای نظامی گردید و تدارکات مطمئن از طریق این جاده برقرار و کلیه ابزارآلات مهندسی به راحتی از طریق این جاده به آبادان رسید. و زمینه انجام عملیات ثامن الائمه را فراهم ساخت.

جا دارد در اینجا یادای از شهید مهندس شهشهانی مسئول این پروژه عظیم داشته باشیم که ایشان به دلیل شکسته بودن دستک یکی از لودرها به همراه چند نفر از برادران دیگر برای تهیه دستک لودر به سمت سوسنگرد راه افتادند و پس از ورود به سوسنگرد به جهاد سازندگی سوسنگرد مراجعه نمودند که به محض رسیدن ایشان به درب جهاد سوسنگرد مورد اصابت خمپاره دشمن قرار گرفته و به فیض عظیم شهادت نائل گردید.



آگاهی

نداشت امکان حرکت از شناورها سلب می‌گشت. علاوه بر آن موانعی را که نیروی دریائی در مورد احداث رادار دریائی در منطقه فاو توسط دشمن پیش بینی می‌کرد به این مسئله که این راه، راه مطمئنی نیست قوت می‌بخشید.

با توجه به محدودیت‌های فوق‌الذکر شرایط ایجاد می‌کرد که یک راه زمینی مطمئن جهت ارتباط آبادان احداث گردد. در همین راستا برادران جهادگر ستاد جنوب و برادران جهادگر مستقر در آبادان بدون هیچ گونه هماهنگی هر دو در فکر احداث جاده‌ای از جاده ماهشهر □ آبادان به سمت آبادان بودند. که به همین منظور از دو سمت تعدادی از برادران جهت شناسائی مسیر به راه افتاده بودند که پس از یک نقشه برداری کلی از مسیر و هماهنگی برادران جهادگر دخیل در این امر قرار شد که جاده‌ای از کیلومتر ۲۰ جاده آبادان-ماهشهر و از طریق عبور از باتلاق‌های شرق آبادان به آبادان احداث گردد. که پس از تصمیم‌گیری برادران جهادگر از دو سمت اقدام به احداث این جاده نمودند.

لازم به ذکر است که برای احداث این جاده قبلاً شهید محمد طرحچی به علت نبود مخلوط شن برای جاده، ترتیبی داده بود که حدود ۶۰۰۰ متر مکعب مخلوط در کیلومتر ۱۷ جاده آبادان-ماهشهر ریخته نشده بود و یک اکپ از جهاد آذربایجان شرقی کار را شروع کرده بودند. در هر صورت پس از تقسیم کار، جهادهای استان تهران، خراسان و آذربایجان شرقی از طرف ماهشهر و جهادهای استان فارس، اصفهان و شهرستان آبادان از سمت شرق کوی ذوالفقاری کار را شروع کردند.

با توجه به نقشه برداری اولیه حدود ۳ کیلومتر از جاده



- احداث پل‌های بشکهای و دوبه‌ای:

در سال اول جنگ جهاد سازندگی با ارائه ابتکارات ویژه مخصوصاً در زمینه پل سازی نقاط درخشان را در تاریخ جنگ تحمیلی ثبت نمود که احداث پل‌های بشکهای و دوبه‌ای از آن جمله می‌باشند.

اولین پل شناور ساخت جهاد سازندگی پل بشکهای نصب شده در منطقه فیاضیه می‌باشد که ذیلاً توضیحات لازم ارائه می‌گردد:

- احداث پل بشکهای در منطقه فیاضیه:

مسئله عبور از روی بهمنشیر و رفتن به آن طرف رودخانه مخصوصاً در منطقه فیاضیه یکی از نیازهای شدید رزمندگان اسلام بود زیرا روبه‌روی بیمارستان طالقانی یک منطقه‌ای بود که به علت ارتباط با خط مقدم نقش حیاتی داشت. یعنی برادرانی که در منطقه فیاضیه مجروح می‌شدند برای این که به بیمارستان انتقال یابند می‌بایست یک مسیر حدود ۸ کیلومتری را به صورت عبث و بیهوده طی می‌نمودند. حال اگر پلی در منطقه فیاضیه احداث می‌شد با پیمودن مسیر یک کیلومتری می‌شد مجروحین را به بیمارستان رسانید. لذا به منظور ایجاد این ارتباط، جهادگر مبتکر شهید هزارستان با استفاده از بشکهای موجود در پالایشگاه اقدام به احداث یک پل بشکهای برای بهمنشیر در منطقه فیاضیه نمود.

برای احداث این پل جهادگران جهاد سازندگی شبانه بشکهای خالی موجود در شرکت نفت را در مقابل دیدگان دشمنان، یکی یکی حمل می‌کردند و با خود می‌آوردند و با ایجاد شبکه‌های ۳×۶ بشکها را سرتاسر تا به همدیگر جوش داده و در داخل این شبکه‌ها قرار می‌دادند و سپس این بشکها را با لولا به همدیگر وصل و بعد تمام شبکه را از دو طرف توسط سیم بکسل به همدیگر مهار می‌کردند. اما برای این که این پل قابل بهره برداری شود می‌بایست روی بشکها تخته قرار می‌گرفت که این تخته‌ها نیز با مشکلات فراوانی از یک کارخانه چوب‌بری موجود در پشت بازار آبادان، در ساحل اروند و روبه‌روی عراقی‌ها با ظرافت بسیار حاصل حمل و به مکان مورد نیاز آورده می‌شد و بر روی پل قرار می‌گرفت که بالاخره پس از تکمیل و احداث آن، این پل به طول حدود ۱۰۰ متر و توان باردهی ۴۰ تن مورد بهره برداری قرار گرفت.

لازم به توضیح است این پل علاوه بر این که نیاز رزمندگان اسلام را در آن مقطع زمانی برطرف نمود بلکه به عنوان سکوی پرش و تکامل برای کارهای دیگر مهندسی واقع شد.

به دنبال این پل، پل‌های بشکهای دیگری در مناطق مختلف از قبیل: ذوالفقاریه، شوش، سوسنگرد و منطقه مدن احداث گردید که در زیر به احداث پل بشکهای منطقه مدن اشاره می‌کنیم:

- احداث پل بشکهای بر روی بهمنشیر در منطقه مدن:

برای احداث این پل بشکها را به صورت چهارتایی با نبشی‌های سه سانتی فرم بندی می‌کردند و آن‌ها را به صورت چهار تا، چهار تا در کنار هم قرار می‌دادند و به وسیله کابل به همدیگر وصل می‌کردند و به این صورت این پل به طول ۱۷۵ متر احداث گردید.

- انهدام پل بشکهای جهاد سازندگی توسط بعثیان و ابتکار دیگر جهادگران:

با توجه به این که خرمشهر در اختیار دشمن بعثی قرار داشت، مزدوران بعثی به منظور انهدام پل بشکهای موجود در فیاضیه پنج فروند از دوبه‌های ۱۰۰۰ تنی موجود در خرمشهر را از طریق دهانه بهمنشیر روانه رودخانه بهمنشیر نموده و این دوبه‌ها بر اثر برخورد به پل بشکهای موجود در منطقه فیاضیه آن را منهدم نمود و موجب ناراحتی برادران رزمنده گشت که در اینجا نیز جهادگران جهاد سازندگی آستین همت بالا زده و با بهره گیری از قدرت ایمان و دانش خود این دوبه‌ها را مهار کرده و با اتصال آن‌ها به همدیگر پل عظیم دوبه‌ای با تناژ حدود ۲۰۰ تن احداث نمودند که به علت بازدهی مطلوب این پل، نمونه‌های مشابه آن را در چند جای دیگر نیز به اجرا درآوردند.

- احداث پل دوبه‌ای ارتباطی جاده وحدت:

همان‌طوری که قبلاً اشاره شد، ضمن احداث جاده عظیم وحدت، با کوشش شبانه روزی برادران جهادگر یک پل سنگین و بزرگ دوبه‌ای بر روی بهمنشیر در منطقه خضر احداث گردید. این پل که ظرفیت عبور محموله‌ای ۱۰۰ تنی را داشت ضمن اتصال جاده وحدت امکان نقل و انتقال امکانات زرهی را به آبادان فراهم نمود.

پی نوشت‌ها:

۱. آنچه در متن فوق منعکس شد از لابه‌لای مصاحبه جهادگران عزیز ذیل استخراج شده است که به جهت جلوگیری از اطاله مطلب از درج عناوینی مانند دکتر، مهندس و... خودداری شده است.

محمود حجتی؛ داود دانش جعفری؛ سید جواد میرشفیعیان؛ محمد طراح؛ عبدالرحمن جزایری؛ محمدتقی امانپور؛ محسن امیریان؛

۲. آرشو اسناد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد؛ اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی

۳. آرشو نشریه جهاد



نشریه فرهنگی - خبری

سنگ سازندگی

کانون سنگ سازان بی سنگر

شماره ۱۰۷ - مهر و آبان ماه ۱۴۰۱

لحن تسلیت
عزیزان کانون تسلیت

اخبار
کانون مرکز استان‌ها
و شهرستان‌های ویژه





کانون مرکز

کانون سنگر سازان بی سنگر هیأت مدیره جدید خود را شناخت

تعداد آرا به عنوان بازرس قانونی کانون به مدت یک سال انتخاب شد. لازم به ذکر است در اجرای بند «۵» دستور جلسه، روزنامه کثیرالانتشار «ابرار» جهت درج آگهی‌های کانون و اطلاع‌رسانی انتخاب گردید.

محسن آقاخانی
محمد حیدری دلگرم
عبدالرضا سبحانی
سید نصیرالدین شاه‌رخ
محمدعلی شم‌آبادی
محمد صدوری
محمد حسین صفرپور طاهر
محمدعلی فروغی
سید جواد میرشفیعیان
بنابر این گزارش آقایان فریدون کیانی
فر و صمدی نژاد به عنوان اعضای علی‌البدل انتخاب شدند.
در انتخابات بازرس قانونی نیز، آقای حسین دین محمدی با کسب بیشترین

مجمع عمومی کانون سنگر سازان بی سنگر برگزار گردید و اعضای جدید هیأت مدیره کانون سنگر سازان بی سنگر انتخاب شدند.
به گزارش سایت سنگر سازان بی سنگر، در مجمع عمومی عادی فوق العاده کانون، بعد از ارائه گزارش عملکرد توسط محمد صدوری، مدیر عامل کانون سنگر سازان بی سنگر و نیز گزارش عملکرد مالی توسط بازرس قانونی کانون، انتخابات هیأت مدیره و بازرس قانونی به صورت برگه ای برگزار شد و آقایان ذیل به ترتیب حروف الفبا به عنوان اعضای هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال انتخاب شدند.



کانون مرکز

اساسنامه جدید کانون سنگرسازان بی سنگر تصویب شد

جلسه مجمع عمومی فوق العاده «کانون سنگرسازان بی سنگر» با موضوع اصلاح اساسنامه برگزار و در آن کلیات اصلاح اساسنامه کانون به تصویب رسید.

همچنین در این جلسه مقرر شد در اجرای ماده ۱۰ اساسنامه جدید، برای عضویت افراد غیر از سنگرسازان بی سنگر، شرایط عضویت آنها پس از تأیید کانون استانها و مرکز به تصویب

مجمع بعدی برسد. جهت مشاهده و مطالعه اساسنامه جدید، لطفاً به سایت سنگرسازان بی سنگر مراجعه فرمایید.

کانون مرکز

رییس و نایب رییس هیئت مدیره و مدیر عامل کانون انتخاب شدند

جلسه هیأت مدیره کانون سنگرسازان بی سنگر روز دوشنبه مورخ ۲ آبان ۱۴۰۱ برگزار شد و پس از استماع نظرات، پیشنهادات و دیدگاههای حاضرین در جلسه، سمت اعضای هیأت مدیره بشرح زیر تعیین گردید.

* آقای «محمدعلی شم آبادی» به عنوان رئیس و عضو اصلی هیأت مدیره قبول سمت نمود.

* آقای «محمدحسین صفریورطاهر» به عنوان نایب رئیس و عضو اصلی هیأت مدیره قبول سمت نمود.

* آقای «محسن آقاخانی» به عنوان خزانه دار و عضو اصلی هیأت مدیره انتخاب و قبول سمت نمود.

بنابر این گزارش، آقای «محمد صدوری» برای مدت دو سال به عنوان عضو هیأت مدیره و مدیر عامل کانون انتخاب و قبول سمت نمودند.





کانون مرکز

امتداد نگاه جهادی در وزارت جهاد کشاورزی از گذشته تا امروز

نشان دهنده تفکر جهادی و ایستادگی جامعه کشاورزی ایران پای تامین سفره مردم است.

ساداتی نژاد با اشاره به اینکه وزارت جهاد کشاورزی ۵ هدف را از ابتدای دولت سیزدهم دنبال می کند، گفت: اولین اقدام اجرای قانون تمرکز پس از ۱۲ سال بوده است، حوزه بازار در وزارت جهاد کشاورزی نوپا بود و امکانات کافی نداشتیم اما با گذشت یک سال نشان دادیم که بودن بازار تولید مفهومی ندارد و تصمیم الحاق آن به وزارت جهاد کشاورزی درست بوده است.

ساداتی نژاد ادامه داد: ما قانون تمرکز را با کمک بازنشستگان و بسیجیان وزارت خانه، از آبان سال ۱۴۰۰ اجرایی کردیم و امروز پایداری غذا را مدیون تلاش این

پایداری غذا برای مردم است، پس از جنگ اوکراین مردم دنیا به وضوح اهمیت غذا را دریافته اند.

وی افزود: امروز در دنیا غذا به عنوان یک قدرت مطرح است و حکمرانی، حاکمیت و اقتدار غذا مطرح است و یک ابزار قدرت و حکمرانی جهانی است، جنگ روسیه و اوکراین چالش بزرگ امنیت غذایی را در دنیا ایجاد کرد لذا وظیفه جهاد کشاورزی امروز تامین پایدار امنیت غذایی کشور است.

وی عنوان کرد: جنگ روسیه و اوکراین بسیاری از کشورهای اروپایی رادچار صف، سهمیه و کمبود کرد اما با تلاش جامعه کشاورزی ایران، هیچ کمبود و صفی در کشور مشاهده نشد که

سید جواد ساداتی نژاد وزیر جهاد کشاورزی در سی و چهارمین گردهمایی فرماندهان پشتیبانی و مهندسی رزمی ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای جهادگر دفاع مقدس اظهار کرد: روحیه و نگاه جهادی از دوران دفاع مقدس تاکنون در وزارت جهاد کشاورزی وجود داشته و جهاد هنوز هم ادامه دارد.

وی افزود: اقدامات جهادگران در دوران دفاع مقدس و در روستاها بسیار سخت بوده و مدیریت بسیار قوی را لازم داشته است و گاهی در بحران های موجود کمبود نگاه و تفکر جهادی احساس می شود.

ساداتی نژاد با بیان اینکه امروز فعالیت جهاد در راستای امنیت غذایی است، خاطرنشان کرد: جنگ امروز ما تامین

کشاورزی دانسته و عنوان کرد: از سال ۱۳۵۱، نیم قرن است که مقرر شده الگوی کشت در کشور انجام شود، در برنامه دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم و امروز در برنامه هفتم هم به این طرح تاکید شده است اما تا امروز تنها ابلاغ شده است.

وی ادامه داد: با تلاش تمام همکاران می خواهیم امسال الگوی کشت را در کشور اجرا کنیم که کار ساده ای نخواهد بود و به یک همیت و همکاری عمیق نیازمند است. تلاش می کنیم از ابزارهای سیاست های قیمتی و غیر قیمتی را در خرید تضمینی، غیر تضمینی و یارانه های کاشت را به کار بگیریم تا الگوی کشت اجرا شود و بهره وری آب را افزایش دهیم.

ساداتی نژاد با بیان اینکه چالش اصلی ما در بخش کشاورزی بهره وری است، افزود: ما باید بتوانیم از ظرفیت ها استفاده کنیم. غذای سالم، با کیفیت، ارزان و با منشأ داخلی مأموریت رئیس جمهور به وزارت جهاد کشاورزی است.

وی خاطرنشان کرد: ما به فرماندهان جهادگر دفاع مقدس افتخار می کنیم و از شما دعوت می کنیم تا در این شرایط کشور ما را همراهی کنید.

این ۴ سال تمام اسناد اراضی کشاورزی را صادر کنیم. ۶۸۰ درصد صدور سند در سال اول دولت سیزدهم رشد داشته و بیش از ۲،۵ میلیون هکتار رفع تداخلات انجام شده است.

مقام عالی وزارت ابراز امیدواری کرد: تا پایت سال ۱۴۰۲ رفع تداخلات اراضی کشاورزی ایران به پایان می رسد و تا پایان دولت اسناد اراضی کشاورزی در اختیار کشاورزان قرار خواهد گرفت.

وی با بیان اینکه اقدام محوری چهارم مردمی سازی یارانه ها بوده است، خاطرنشان کرد: مردمی سازی یارانه ها بر روی اقلام اساسی با متولی گری وزارت جهاد کشاورزی انجام شد که کار بسیار سختی بود اما توانستیم آن را به سرانجام برسانیم.

ساداتی نژاد ادامه داد: وظیفه وزارت جهاد کشاورزی در مردمی سازی یارانه ها، حفظ فراوانی و وجود مواد غذایی در جامعه بود که با قدرت این عملیات را به انجام رساند. ما کوچکترین کمبودی در هیچ کجای کشور نداشتیم در حالی که دنیا درگیر بحران غذا بود.

وزیر جهاد کشاورزی، الگوی کشت را پنجمین اقدام محوری وزارت جهاد

افراد در سراسر کشور هستیم، با واگذاری بازار به جهاد در سال گذشته، تولید گندم، جو و سایر نهاده ها و کالاهای اساسی در کشور ارتقا یافت لذا تجربه فرماندهی واحد موفق بوده است.

وزیر جهاد کشاورزی با بیان اینکه دومین طرح محوری ما کشاورزی قراردادی است، تصریح کرد: مدرن ترین الگوی کشاورزی و حمایت از معیشت کشاورز در دنیا کشاورزی قراردادی است، در کشور ما یک درصد محصول از این طریق انجام می شد که در یک سال گذشته در گندم و برنج این نوع کشاورزی را آزمایش کردیم و در سال زراعی جدید هم استمرار خواهد داشت.

وی افزود: نتیجه کشاورزی قراردادی، افزایش خرید گندم و تولید گندم علی رغم خشکسالی بوده است.

ساداتی نژاد در رابطه با اقدام محوری سوم وزارت جهاد کشاورزی گفت: اقدام محوری سوم ما صدور سند اراضی کشاورزی است، پس از ۴۳ سال اراضی کشاورزی همچنان سند ندارد و کشاورز ما هویت ندارد و نمی تواند تسهیلات دریافت کند.

وی ادامه داد: در تلاش هستیم در





کانون مرکز

انحلال جهاد سازندگی یک معماری غلط بود

سازندگی را منحل کردند، اظهار کرد: انحلال جهاد سازندگی یک معماری غلط بود، چون جهاد سازندگی، یکی از نهادهای موفق بود که باید این مسیر ادامه پیدا می‌کرد.

رضایی با بیان اینکه فرهنگ و هویت زمانی که ضعیف شود، انسجام و وحدت جامعه از بین می‌رود، تاکید کرد: وقتی انسجام از بین برود، هویت‌سازی دچار ضعف و جامعه دچار تردید می‌شود و تردید بهترین فرصت برای دشمن است. تردید و نفوذ باعث ایجاد دو دستگی و جبهه‌های داخلی ایجاد می‌شود و دشمن جنگ‌های زرگری راه می‌اندازد.

منافقین به دنبال تجزیه ایران هستند، وارد میدان شدند و با جاده‌سازی در کردستان و سیستان و بلوچستان، زمینه را برای ورود رزمندگان به این مناطق آماده کردند.

رضایی با بیان اینکه جهاد سازندگی با شروع جنگ تحمیلی، در کنار ارتش، سپاه و بسیج قرار گرفت، عنوان کرد: جهاد سازندگی یک نهاد آماده بود و آرامش خود را در آرامش مردم می‌دید. در عملیات فتح‌المبین، جهاد سازندگی به‌گونه‌ای جاده‌سازی کرد که ما را به مقر فرماندهی صدام رساند.

وی با طرح این سوال که چرا جهاد

محسن رضایی، معاون اقتصادی رئیس‌جمهور، در سی و چهارمین گردهمایی فرماندهان مهندسی رزمی جنگ جهاد؛ جهاد سازندگی را پدیده‌ای نوظهور در تاریخ جمهوری اسلامی ایران دانست و گفت: جهاد سازندگی مولود یک انقلاب عظیم بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی در امتداد انقلاب اسلامی حرکت کرد؛ جوانان داوطلب و خودجوش وارد جهاد سازندگی شدند و برای آبادانی روستاها در مناطق محروم حضور پیدا کردند.

وی افزود: نیروها و رزمندگان جهاد سازندگی پس از اینکه دیدند

جنگ پیشرفت باید به مسیر انقلاب اسلامی برگردیم؛ اگر به مسیر قبل برگردیم، جهاد فرهنگ ایجاد خواهد شد؛ اما اگر جهاد خاموش شود، فرهنگ و هویت ما خاموش خواهد شد.

وی با تأکید بر این که راه حل برطرف کردن مشکلات، فرهنگ، فناوری و علم جهاد است، خاطرنشان کرد: امروز باید قرارگاه بزرگی از پیشکسوتان جهاد تشکیل شود و برای آبادانی کشور از آن ها کمک گرفته شود و پرچم جهاد پیشرفت را بلند کنیم. دولتمردان، مصمم هستند یک بار دیگر پرچم های جهاد پیشرفت را به اهتزاز در بیاورند.

از پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنان سعی کردند با محاصره، بهره گیری از نفوذی ها و مترددین که ستون پنجم دشمن هستند و همچنین تحریم ها، در جنگ پیشرفت ما را شکست دهند.

معاون اقتصادی رئیس جمهور با اشاره به اینکه امروز نیازمند تفکر جهادی در جنگ پیشرفت هستیم، بیان کرد: امروز هدف ناامنی ها در ایران، فرار سرمایه گذارهای داخلی و خارجی از کشورمان است. امروز دشمن از ارتباطات ایران در سطح منطقه و آسیا و جوانان جهادی ایرانی می ترسد و به همین دلیل از اغتشاش گران و آشوب گران در ایران حمایت می کند.

وی ادامه داد: امروز سازمان «سیا»، تمامی نیروهای خود را وارد کشورهای اطراف ایران کرده است، چون از موج انقلابی های ایران می ترسد. ما در

معاون اقتصادی رئیس جمهور با اشاره به اینکه جهاد سازندگی، سپاه و بسیج یک تفکر و مسیر هستند، تصریح کرد: انحلال جهاد سازندگی باعث شد تا انسجام و وحدت دچار ضعف شود.

وی با بیان اینکه سه جنگ سیاسی، دفاعی و اکنون جنگ پیشرفت در ایران رخ داده است، گفت: در جنگ سیاسی توانستیم رژیم طاغوت و در جنگ دفاعی رژیم بعث عراق و حامیانش را شکست دهیم.

رضایی در خصوص جنگ پیشرفت که دشمن پس از پیروزی ایران در دفاع مقدس آغاز کرده است، گفت: در دو جنگ اول دشمن داخلی داشتیم؛ اما آن ها را شکست دادیم، در جنگ سوم و جنگ پیشرفت، کسانی که دچار تردید شدند، در کنار نفوذی ها قرار گرفتند و سنگ اندازی کردند. پس



کانون‌های سراسر کشور

سی و چهارمین گردهمایی فرماندهان پشتیبانی و مهندسی رزمی به روایت تصویر





شماره: ۹۸۵۲
تاریخ: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷
پیوست: صلوات

بسم الله تعالی

کانون سنگر سازان بی سنگر



«رحمت بی وقفه جهاد، این سنگر سازان بی سنگر در دفاع مقدس مان، از حمد سالی است که ترسیم آن در قالب الفاظ نمی‌گنجد.» امام خمینی (ره)

بیانیه کانون سنگر سازان بی سنگر (فرماندهان و ایثارگران پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی)
در ارتباط با حوادث اخیر کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

«قال موسى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»
موسی (ع) به قوم خود گفت: از خدا یاری جویید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از
بندگانیش که بخواهد، واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است» / (قرآن کریم - آیه ۱۲۸ اعراف)

ملت شریف و بزرگوار ایران

این روزها میهن عزیزمان شاهد اتفاقات ناگوار و البته درس آموزی شده است که هر چند برای ما جهادگران و رزمندگان نسل

کانون مرکز

بیانیه کانون سنگر سازان بی سنگر در ارتباط با حوادث اخیر کشور

باطل، ضربات زیادی خورده ایم؛ هم از ضعف و غفلت و گاهی خیانت عده ای در داخل، و هم از تهاجم تمام عیار و ترکیبی خارجی؛ اما ضربات زیادی هم زده ایم؛ لکن متأسفانه این پیروزی ها، موفقیت ها و دستاوردها را در «جنگ روایت ها» کمتر گفته و شنیده ایم. در عین حال نهال کوچک انقلاب مان امروز تبدیل به درخت تناوری شده که گمان برکندن آن، برای دشمن مان، تبدیل به یک رویا گشته است. رویایی که بر اساس وعده های الهی و شناختی که از ملت شهیدپرور و همیشه در صحنه مان در این چهل و

اتفاقات ناگوار و البته درس آموزی شده است که هر چند برای ما جهادگران و رزمندگان نسل اول انقلاب و ایران اسلامی تازگی ندارد، اما نمی توان از کنار آنها به سادگی و بی تفاوت عبور کرد.

دشمنان قسم خورده این کشور، در طول تاریخ و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و آغاز عصر جدیدی که عصر اسلام و انقلاب اسلامی است، هر چیزی را دستاویز قرار داده تا ضربه ای به اتحاد، یکپارچگی، اقتدار و عزت ایران و اسلام وارد کند. ما در این جنگ حق و

بسم الله الرحمن الرحيم
«قال موسى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»
موسی (ع) به قوم خود گفت: از خدا یاری جویید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانیش که بخواهد، واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است» / (قرآن کریم - آیه ۱۲۸ اعراف)

ملت شریف و بزرگوار ایران
این روزها میهن عزیزمان شاهد

بسم الله تعالی

شماره: ۹۸۵۲
تاریخ: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷
پوسته: صلوات

کانون سنگ‌سازان بی‌سنگ

کانون سترخان خیابان شاهپور، شماره ۲۵۸ - کد پستی: ۱۴۵۶۸۵۷۶۹۴ - شماره ثبت: ۱۷۰۷۱
تلفن: ۶۶۵۰۱۴۹۵ - ۶۶۵۰۷۵۲۰ - ۶۶۵۰۳۹۳۳ - فکس: ۶۶۵۰۳۹۳۳ - Email: ksbm1383@gmail.com

«زحمت بی‌وقفه جاد، این سنگ‌سازان بی‌سنگ، دفاع مقدس‌یان، از چهره‌ای است که تریبم آن، «قاب القنونی» که، «امم نمین» (ره) آنان در تهدید، تحریم، تروریست پروری و ادعای کذبایی بر ملت‌ها، همه گواه همین واقعیت‌اند. لذا اولین نکته‌ای که همه ما - با هر تفکر و دغدغه و جایگاهی - باید بدانیم و بدان هوشیار باشیم این است که «این اوج گیری ایران عزیز، بی دشمن نبوده، نیست و نخواهد بود...».

۲. نقد، اعتراض و مطالبات صنفی یا عمومی، از موهبت‌های انقلاب اسلامی به مردم ایران بوده، قدیمی‌هایی مانند ما اگر به درستی دوران حکومت پهلوی‌ها را روایت کنند، حتماً فضای نقد و نقادی در دوره جمهوری اسلامی را قابل مقایسه با آن دوره نمی‌دانند. در همین یک سال اخیر تجمعات، اعتصابات و مطالبه‌گری‌های گوناگونی، توسط عموم مردم و اقشار و اصناف مختلف از معلمان و کارگران و بازنشستگان و... در جریان بوده که بسیاریشان مورد توجه و رسیدگی قرار گرفته؛ مطالبات و اعتراضات به حق که خیلی وقت‌ها با همراهی جریان مطالبه‌گری جنبش دانشجویی نیز همراه شده و به هر میزانی که از منطق و ممانت و اخلاق بهره داشته، بیشتر به ثمر رسیده، و به عکس هر یک رویه توهین، تخریب و خشونت پیش گرفته و از چارچوب «قانون» خارج شده، نه تنها به نتیجه نرسیده بلکه دیگر در حافظه تاریخی ملت ایران و همه دنیا از آنها به «آشوب»، «فتنه» و «اغتشاش» یاد می‌شود. تا «اعتراض»!

۳. در یک کشوری که دشمنانش - از داعشی و تجزیه‌طلب و منافق و سلطنت‌طلب و استعمارگر تا بهایی و وهابی و منحرفین اخلاقی و...- ابایی از بیان مقاصد شوم و بی‌شرمانه خود علیه این کشور و مردم آن ندارند، حتماً یک «اعتراض»، به هر میزان که از منطق و ممانت و ادب به دور، و به خشونت و توهین و نفرت‌پرانی نزدیک شود، فرصت بیشتری می‌دهد برای نفوذ دشمن، و پیاده‌سازی «آنچه از قبل برای این روزها برنامه ریزی کرده»؛ برای تضعیف، تجزیه و نابودی ایران! به دست عده‌ای از مردم خود آن!

۴. در این مدت اخیر، خسارت‌های زیادی به کشور وارد شد؛ هتک حرمت قرآن کریم، اهانت به حریم ولایت، اهانت به پرچم و مقدسات و ارزش‌هایی چون حجاب و عمامه، حادثه غم‌انگیز حرم شاهچراغ، بروز رفتارهای داعشی گونه‌ای چون ماجرای اکباتان و کرج و غصه‌های ناتمام آرتین‌ها و آرشام‌ها و ده‌ها فرزند و همسر و پدر و مادری از مردم عادی و مدافعان امنیت که داغدار شدند، تنها بخشی از این خسارت‌ها است. لکن خسارت بزرگتر که در این حوادث هویدا شد، آسیب پذیر بودن ذهن بخشی از جوانان و نوجوانان مان بود که متأسفانه با قصور و تقصیرها و ضعف آشکار برنامه‌ای و عملکردی متولیان فرهنگی و رسانه‌ای و فضای مجازی کشور در طی سالیان گذشته تا به امروز رخ داده. جوانان و نوجوانانی که در این جنگ ناجوانمردانه شناختی، تنها گذاشته شدند و امروز پاسخگویی مسئولان امر و رسیدگی به ترک فعل‌ها یا تخلفات آنان از وظایف محوله قویاً باید مورد مطالبه عمومی و ورود دستگاه‌های نظارتی قرار گرفته و سریعاً جبران و اصلاح شود.

۵. در کنار تلاش دشمن و ضعف‌های فرهنگی و رسانه‌ای داخلی که در بروز حوادث اخیر نقش اصلی را ایفا کرد، توجه به زمینه‌ها و عوامل فرعی دیگری که می‌تواند به بروز یا گسترش این گونه اتفاقات تلخ دامن بزند، باید در دستور کار مسئولین محترم کشور قرار گیرد. حل مشکلات اقتصادی، باز کردن گره‌های معیشتی مردم که همه با آن دست به گریبانیم، و نیز رفع برخی بی‌کفایتی‌ها، سوءتدبیرها و یا برخوردی‌هایی که در نظام بروکراسی و خدمات رسانی کشور در مراکز

ارزش‌هایی چون حجاب و عمامه، حادثه غم‌انگیز حرم شاهچراغ، بروز رفتارهای داعشی گونه‌ای چون ماجرای اکباتان و کرج و غصه‌های ناتمام آرتین‌ها و آرشام‌ها و ده‌ها فرزند و همسر و پدر و مادری از مردم عادی و مدافعان امنیت که داغدار شدند، تنها بخشی از این خسارت‌ها است. لکن خسارت بزرگتر که در این حوادث هویدا شد، آسیب پذیر بودن ذهن بخشی از جوانان و نوجوانان مان بود که متأسفانه با قصور و تقصیرها و ضعف آشکار برنامه‌ای و عملکردی متولیان فرهنگی و رسانه‌ای و فضای مجازی کشور در طی سالیان گذشته تا به امروز رخ داده. جوانان و نوجوانانی که در این جنگ ناجوانمردانه شناختی، تنها گذاشته شدند و امروز پاسخگویی مسئولان امر و رسیدگی به ترک فعل‌ها یا تخلفات آنان از وظایف محوله، قویاً باید مورد مطالبه عمومی و ورود دستگاه‌های نظارتی قرار گرفته و سریعاً جبران و اصلاح شود.

۵. در کنار تلاش دشمن و ضعف‌های فرهنگی و رسانه‌ای داخلی که در بروز حوادث اخیر نقش اصلی را ایفا کرد، توجه به زمینه‌ها و عوامل فرعی دیگری که می‌تواند به بروز یا گسترش این گونه اتفاقات تلخ دامن بزند، باید در دستور کار مسئولین محترم کشور قرار گیرد. حل مشکلات اقتصادی، باز کردن گره‌های معیشتی مردم که همه با آن دست به گریبانیم، و نیز رفع برخی بی‌کفایتی‌ها، سوءتدبیرها و یا برخوردهایی که در نظام بروکراسی و خدمات رسانی کشور در مراکز مختلف مشاهده می‌کنیم و گاهی انسان

بی‌شرمانه خود علیه این کشور و مردم آن ندارند، حتماً یک «اعتراض»، به هر میزان که از منطق و ممانت و ادب به دور، و به خشونت و توهین و نفرت‌پرانی نزدیک شود، فرصت بیشتری می‌دهد برای نفوذ دشمن، و پیاده‌سازی «آنچه از قبل برای این روزها برنامه ریزی کرده»؛ برای تضعیف، تجزیه و نابودی ایران! به دست عده‌ای از مردم خود آن!

۴. در این مدت اخیر، خسارت‌های زیادی به کشور وارد شد؛ هتک حرمت قرآن کریم، اهانت به حریم ولایت، اهانت به پرچم و مقدسات و

میزانی که از منطق، ممانت و اخلاق بهره داشته، بیشتر به ثمر رسیده، و به عکس هر یک رویه توهین، تخریب و خشونت پیش گرفته و از چارچوب «قانون» خارج شده، نه تنها به نتیجه نرسیده بلکه دیگر در حافظه تاریخی ملت ایران و همه دنیا، از آنها به «آشوب»، «فتنه» و «اغتشاش» یاد می‌شود، تا «اعتراض»!

۳. در یک کشوری که دشمنانش - از داعشی و تجزیه‌طلب و منافق و سلطنت‌طلب و استعمارگر تا بهایی و وهابی و منحرفین اخلاقی و...- ابایی از بیان مقاصد شوم و





کانون مرکز

تقدیر از اعضای سابق هیئت مدیره کانون سنگر سازان بی سنگر

اعضای سابق هیئت مدیره کانون به
جهت سال ها تلاش صادقانه تقدیر و
تشکر شد.

در جلسه هیئت مدیره کانون مرکز از
آقایان عباس دارایی نژاد، ابراهیم فرهنگند،
فریدون کیانی فر و یحیی صمدی نژاد،





کانون مرکز

بازدید معاون توسعه روستایی و دیبر شورای عالی جهاد سازندگی کشور از کانون

جلسات و معرفی حاضرین پرداخت. در ادامه نیز دیگر پیشکسوتان و جوانان حاضر در جلسه یک به یک به بیان نکات و دیدگاه های خود حول فعالیت های شورای عالی جهاد سازندگی و انتظاراتی که از آن می رود پرداختند و در انتها سید امیرحسین مدنی توضیحاتی درباره روند و فعالیت های شورای عالی جهاد سازندگی ارائه داد.

در این نشست که نزدیک به ۳ ساعت به طول انجامید، علاوه بر پیشکسوتان عضو شورای هماهنگی سه کانون، جمعی از جوانان فعال و پژوهشگر در حوزه جهاد سازندگی نیز حضور داشتند. در ابتدای جلسه جلیل بشارتی عضو حقیقی شورای عالی جهاد سازندگی و نماینده کانون جهادگران به بیان اهداف و سابقه شکل گیری این

صبح روز ۴شنبه ۴ آبان ۱۴۰۱ جلسه شورای هماهنگی سه کانون سنگر سازان بی سنگر، جهادگران و بازنشستگان جهاد سازندگی با حضور سید امیرحسین مدنی معاون توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری و دیبر شورای عالی جهاد سازندگی، امور عشایر و توسعه روستایی کشور در محل کانون سنگر سازان بی سنگر تشکیل شد.





کانون مرکز

بازدید معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت جهاد کشاورزی از کانون سنگرسازان بی سنگر

تعیین متولی برای پیگیری مشکل زمین محل استقرار کانون، از مهمترین مصوبات این جلسه محسوب می گردد.

از دیگر برنامه های این بازدید بود. در این جلسه اعضای هیئت مدیره کانون به بیان نقطه نظرات و ارائه مشکلات در زمینه های مختلف پرداختند. قول مساعد جهت حل مشکل و

صبح روز دوشنبه ۱۶ آبان ماه ۱۴۰۱، دکتر هوشنگ محمدی معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت جهاد کشاورزی از کانون سنگرسازان بی سنگر بازدید کرد. حضور در جلسه هیئت مدیره کانون،





کانون مرکز

تشییع پیکر مطهر شهید تازه تفحص شده سنگرساز بی سنگر مرتضی کردی

سید حسن ربانی و خاطره گویی پیشکسوت جهادگر آقای خداکرمی و مداحی ذاکر اهل بیت (ع) در ساختمان شهید آوینی این وزارتخانه برگزار شد.

در وزارت جهاد کشاورزی برگزار شد. این مراسم صبح امروز چهارشنبه با حضور جمعی زیادی از سنگرسازان بی سنگر، سید جواد ساداتی نژاد وزیر جهاد کشاورزی، مدیران و مسئولان وزارت جهاد کشاورزی با سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین

مراسم تشییع پیکر مطهر شهید تازه تفحص شده سنگرساز بی سنگر مرتضی کردی با حضور خانواده معظم شهید، نماینده ولی فقیه و وزیر وزارت جهاد کشاورزی، پیشکسوتان جهادگر، اعضای هیئت مدیره کانون سنگرسازان بی سنگر و اصحاب رسانه





کانون مرکز

شهدا حق حیات به گردن ما دارند

خاطر نشان کرد: شهدا فداکاری کردند و راه را به ما نشان دادند.

نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی، همچنین شناخت بیشتر شهدا از طریق مطالعه زندگینامه آن‌ها، تبیین مقام والای شهادت و عمل به وظایفمان نسبت به راه شهدا را سه وظیفه ضروری در این برهه از زمان دانست.

ربانی در پایان با بیان این که شهدا حق حیات به گردن ما دارند، تصریح کرد: ما باید قدر جمهوری اسلامی و رهبری را بدانیم چرا که شهدا در این راه مجاهدت کرده‌اند و اگر فداکاری‌های آن‌ها نبود امروز ما نیز نبودیم و امنیت امروزمان را نداشتیم.

نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی در این مراسم ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدا به خصوص شهدای حادثه شاهچراغ و شهید تازه تفحص شده سنگرساز بی‌سنگر «مرتضی کردی» اظهار کرد: با آمدن پیکر مطهر این شهید روح تازه‌ای دمیده می‌شود و انرژی مضاعفی به ما خواهد رسید.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن ربانی خطاب به مادر شهید «مرتضی کردی»، گفت: شهدا همه چیزشان را به خدا داده‌اند و خدا نیز همه چیزش را به شهدا می‌دهد؛ شهدا زنده هستند و نزد پروردگار مقام و جایگاه بالایی دارند.

وی با اشاره به این که باید به شهدا متوسل بشویم و از آن‌ها کمک بگیریم،

نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی گفت: شهدا حق حیات به گردن ما دارند، ما باید قدر جمهوری اسلامی و رهبری را بدانیم چرا که شهدا در این راه مجاهدت کرده‌اند و اگر فداکاری‌های آن‌ها نبود امروز ما نیز نبودیم و امنیت امروزمان را نداشتیم.

مراسم تکریم و تشییع پیکر مطهر شهید تازه تفحص شده سنگرساز بی‌سنگر «مرتضی کردی» با حضور خانواده محترم شهید، سید جواد ساداتی‌نژاد وزیر جهاد کشاورزی، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن ربانی نماینده ولی فقیه، اعضای هیئت مدیره کانون، جمع کثیری از سنگرسازان بی‌سنگر و کارکنان این وزارتخانه برگزار شد.



کانون قم

اجلاس شهید سازان بی سنگر در قم برگزار شد

دادن آدرس‌های غلط باید مورد توجه مسوولان باشد، اظهار داشت: حوادث اخیر کشور نیز در دست مدیریت است و به‌زودی به خاموشی می‌گراید، مسئله مهم در رابطه‌ها با این قبیل حوادث درس‌آموزی و عبرت‌گیری است.

حضور پیکر مطهر یکی از شهدای گمنام دفاع مقدس، رونمایی از ۱۰ اثر جدید پیرامون شهدای جهاد سازندگی و تجلیل از خانواده شهدا و خاطره‌گویی دوران دفاع مقدس از بخش‌های دیگر این اجلاس بود.

جامعه امروز ما بشدت نیازمند زمانه‌شناسی و تبیین مباحث و مسائل است. وی یادآور شد: مردم ما برغم تمام مشکلات معیشتی و اقتصادی در حوادث اخیر با معترضان کف خیابان همراه نشدند.

ربانی تاکید کرد: برخی افراد در جنگ ترکیبی و شناختی، قدرت تشخیص خود را از دست می‌دهند و لازم است جهاد تبیین برای روشنگری مورد اهتمام نخبگان جامعه باشد.

نماینده ولی‌فقیه در وزارت جهاد کشاورزی بابیان اینکه موضع‌گیری برخی خواص در حوادث اخیر با

اجلاس شهید سازان جهاد سازندگی قم در آستانه دومین کنگره ملی شهدای استان قم با حضور شماری از خانواده شهدا و مسوولان کشوری و لشکری پنجشنبه‌شب در باغ‌موزه انقلاب و دفاع مقدس قم برگزار شد.

نماینده ولی‌فقیه در وزارت جهاد کشاورزی در بخشی از این اجلاس، با تاکید بر اهمیت تبیین زندگی شهدای گرانقدر، بیان کرد: زمان‌شناسی شهدا از ویژگی‌های مهم شهدای دوران جنگ تحمیلی بود.

حجت‌الاسلام سید محمدحسن ربانی بابیان اینکه جنگ ترکیبی امروز در تاریخ کم‌سابقه است، ادامه داد:





**کانون سنگر سازان بی سنگر را در
تمامی شبکه های اجتماعی با نشانی ذیل
دنبال فرمایید.**

@sangarsazan_ir

پایگاه اطلاع رسانی

www.sangarsazan.ir